

۲۴ تیر مصدق بلافاصله پس از گرفتن فرمان نخست‌وزیری لایحه اختیارات را به مجلس داد و تقاضای اختیارات کامل به مدت شش ماه برای اصلاح امور مالی، اقتصادی، قضایی، استخباراتی و ایجاد سازمانهای ملی کرد.

۲۵ تیر مصدق می‌خواست مقام وزارت جنگ را عهددار شود و به علت عدم توافق شاه با تعیین وزیر جنگ از طرف نخست‌وزیر، استعفا کرد.

۲۶ تیر مجلس در جلسه خصوصی با رأی ۲۰ نفر از ۲۲ نفر عده حاضر به زمامداری احمد قوام ابراز تمایل کرد. ۲۳ نفر نمایندگان نهضت ملی که می‌دانستند اکثریت به قوام رأی خواهد داد از حضور در جلسه خودداری کردند.

۲۷ تیر قوام ملی اعلامیه‌شدیداللحنی با پشتیبانی سیاست انگلیس اعلام کرد «حکام انقلابی» تشکیل خواهیم داد.

«روزی صدها تبهکار را از هر طبقه به موجب حکم خشک و بی‌شفقت قتون قرین تبره‌روزی می‌سازم به عموم اخطار می‌کنم که دوره عصیان سپری شده و روز اطاعت از نوامر و نواهی حکومت فرا رسیده است. کشتیان را سیاستی دگر آمد.»

۲۸ تیر ۲۹ نفر نمایندگان نهضت ملی پس از مذاکره با شاه و نوبت شدن از رتبه حل، به هولنداری از مصدق اعلامیه‌ای صادر و اعلام کردند که جز با زمامداری مصدق با شخص دیگری موافقت نخواهند کرد. همان روز آیت‌الله کاشانی در اعلامیه‌ای به پشتیبانی از دولت مصدق، قوام را شدیداً محکوم و مردم را دعوت به شرکت در یک «جهاد اکبر» کرد.

۲۸ تیر بازار تهران تعطیل شد.

۲۹ تیر تهران و شهرستانها به حالت نیمه تعطیل در آمدند. کنارگرن کارخانه‌ها، سیلو، راه‌آهن و سرویسهای اتوبوسرانی دست از کار کشیدند. مردم در خیابانها و میدانها به تظاهرات پرداختند نمایندگان طرفدار نهضت ملی کمیته‌ای به نام «مركز مبارزات ملی» تشکیل دادند. آیت‌الله کاشانی یک کنفرانس مطبوعاتی در خانه‌ای در سمیران تشکیل داد.

۳۰ تیر پیام ملی و بازگشت مصدق به زمامداری در برابر مردمی که عصر همان روز در مقابل منزل او اجتماع کرده بودند مصدق گفت: «ای کاش مرده بودم و ملت ایران را این طور عزادار نمی‌دیدیم... ای مردم، من به جرأت می‌گویم استقلال ایران از دست رفته بود ولی شما با رشادت خود آن را گرفتید.»

۳۰ تیر لبراز تمایل مجلس به نخست‌وزیری دوباره مصدق با رأی ۶۱ نفر از ۶۴ نفر نماینده حاضر در مجلس.

۳۱ تیر تظاهرات عظیمی با شرکت همه احزاب و دسته‌جات سیاسی در تهران صورت گرفت. چون نیروهای انتظامی و ارتش از شهر خارج شده بودند مردم انتظامات شهر و عبور و مرور و مناطق نقلیه خود به عهده گرفتند.

۳۱ تیر دکتر سیدحسن امامی امام جمعه تهران از ریاست مجلس استعفا کرد و چند روز بعد (۱۵ مرداد) از کشور خارج شد.

۳۱ تیر دیوان دادگستری بین‌المللی در لاهه نسبت به اختلاف ایران و انگلیس در مسأله نفت، با اکثریت ۹ رأی در برابر ۵ رأی عدم صلاحیت خود را اعلام کرد. سر آرنولد مکینز (بعدها لرد مکینز) قاضی انگلیسی و استاد سابق حقوق بین‌الملل عمومی در دانشگاه کمبریج، رأی به نفع ایران داد.



استقبال از هیأت اعزامی به لاهه

- ۱ مرداد فراکسیون نهضت ملی رسماً در مجلس تشکیل شد.
- ۵ مرداد یافر کاظمی نایب نخست‌وزیر، دولت جدید را به مجلس معرفی کرد تا وزارت جنگ به وزارت دفاع ملی تغییر کرد دکتر مصدق خود این مقام را به عهده گرفت.
- ۷ مرداد مجلس با ۶۸ رأی موافق از ۶۹ نفر عده حاضر به دولت مصدق رأی اعتماد داد و برنامه دولت را در نه ماده تصویب کرد.
- ۹ مرداد بانک «شاهنشاهی ایران» متعلق به انگلیس که پس از اتمام امتیاز ۶۰ ساله خود در ایران با نام بانک بریتانیایی ایران و خاورمیانه مشغول صرفی بود، تعطیل شد.

۱۰ مرداد شاهدخت اشرف پهلوی به دستور مصفّق عازم اروپا شد.

۱۱ مرداد مجلس سنا برنامه دولت را در ۹ ماده تصویب کرد و با ۲۲ رأی موافق از ۳۵ نفر عدد حاضر به دولت رأی اعتماد داد.

۱۲ مرداد طرح و تصویب اختیارات شش ماهه دکتر مصفّق در مجلس و سپس در سنا (۲۰ مرداد) به موجب این قانون به دکتر مصفّق اجازه داده شد که برای اجرای مواد ۹ گانه برنامه دولت لوابیح لازم را تهیه کرده و پس از اجرای آزمایشی ظرف شش ماه تقدیم مجلسین کند و تا موقعی که تکلیف آنها در مجلسین معین نشده لازم الاجرا باشند مواد ۹ گانه به طور خلاصه به این شرح است: اصلاح قانون انتخابات مجلس و شهرداریها؛ اصلاح امور مالی؛ اصلاح امور اقتصادی؛ بهره‌برداری از معادن نفت؛ اصلاح سازمانهای دولتی، قضائی و لشکری؛ ایجاد شورای محلی در دهات به منظور اصلاحات اجتماعی؛ اصلاح قوانین دادگستری؛ اصلاح قانون مطبوعات؛ اصلاح امور فرهنگی، بهداشتی و وسائل ارتباطی.

۱۳ مرداد طرح خصوصی پیشنهادی عدلای از نمایندگان برای ضبط اموال احمد قوام، علی‌رغم نظر دولت در مجلس به تصویب رسید در این لایحه مجلس با صدور حکم قضائی، بر خلاف اصل تفکیک قوا در قانون اساسی و قانون مجازات عمومی، او را «مفسد فی الارض» شناخت؛ که مداخله قوه مقننه در امور قوه قضائیه محسوب می‌شود این طرح در مجلس سنا با مخالفت روبه‌رو شد و بلا تکلیف ماند.

۱۴ مرداد به موجب ماده واحده مصوّب مجلسین و شورای ملی قیام روز دوشنبه سی تیرماه ۱۳۳۱ را که در سرزمین کشور برای پشتیبانی از نهضت ملی ایران انجام پذیرفته قیام مقدّس ملی شناخته و شهادت آن روز را به عنوان شهادت ملی می‌نامند.

۱۵ مرداد آیت‌الله کاشانی به ریاست مجلس انتخاب شد.

۱۶ مرداد در تضاد با دولت، طرح پیشنهادی جمعی از نمایندگان برای عفو خلیل طهماسبی قاتل سپهد رزم‌آرا به صورت ماده واحده عدلای به تصویب مجلس رسید که برخلاف قانون اساسی باز هم مداخله قوه مقننه در امور قضائیه بود. این مصوبه که مانند قانون ضبط اموال قوام به صورت حکم قضائی آن هم بر خلاف قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات عمومی تصویب شد با مخالفت مجلس سنا رو به رو شد و تا انحلال دوره اول سنا لاینحل ماند.

۲۲ مرداد لایحه لغو عوارض دهات، اولین لایحه قانونی دکتر مصفّق بر اساس قانون اختیارات تصویب شد به موجب این قانون اخذ هر گونه عوارض از روستاییان از قبیل کوسفتند بزم، مرغ، روغن، بوته و مالیات سرانه و امثال آن و نیز گرفتن بیگاری، توسط مالکین ممنوع شد.

۱ شهریور در برنامه دولت جهت تصفیه امور لشکری اولین گروه از افسران ارتش از جمله عده‌ای از امرای لرشد بازنشسته شدند.

۲ شهریور آنتون جونز صاحب شرکت سیتیز سرویسز (Cities Services Oil Co.) به دعوت مصفّق به ایران آمد. سیتیز سرویسز یکی از شرکتهای امریکایی جدا از کارتل بود. آنتون جونز از ابلان دین کرد هر چند قراردادی با او منعقد نشد، اما دولت توانست برخی ابزارهای مورد نیاز پالایشگاه را از شرکت او خریداری کند.<sup>۲۵</sup>

۸ شهریور پیام مشترک مورخ ۲۹ اوت ۱۹۵۲ (۶ شهریور) ترومن، جرجیل جهت «حل رخسایت‌بخش مسأله نفت» توسط سفرای دو کشور امریکا و انگلیس به مصفّق تسلیم شد.

۱۸ شهریور دکتر شاخت کارشناس معروف اقتصاد آلمان به دعوت مصدق جهت مشاوره درباره مسائل لرزی و بولی، وارد ایران شد.

۲۵ شهریور گزارش کلر پیام مشترک ترومن - چرچیل را باقر کاظمی نایب نخست‌وزیر در مجلس قرائت کرد. مصدق در این گزارش پیشنهادهای انگلیس را مورد انتقاد شدید قرارداد و مطالبه خسارت عدم النفع را قابل قبول ندانست. مجلس گزارش مصدق را تصویب کرد و به دولت رأی اعتماد داد (۶۰ رأی از ۶۱ نفر عده حاضر). این گزارش روز بعد در سنا مطرح شد و دولت از سنا نیز رأی اعتماد گرفته.<sup>۶۶</sup>

۲۹ شهریور تصویب لایحه قانونی حذف محاکم اختصاصی از جمله محدود کردن صلاحیت دادگاههای نظامی به تکالیف نظامی، (نگاه کنید به «قوانین دکتر مصدق» در همین مجموعه)

مهر دکتر مظفر بقائی از رهبری حزب زحمتکشان ملت ایران استعفا کرد. او و همراهانش از خلیل ملکی و یارانش جدا شدند. حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم به رهبری خلیل ملکی تأسیس شد.

۲ مهر پیشنهاد مقابل مصدق به چرچیل و ترومن، پس از یک هفته بررسی و شور در هیأت مختلط مجلسین و هیأت دولت این بود که چنانچه دولت انگلستان شرایط اصلی ایران را بپذیرد، دولت ایران جهت رفع اختلافات و تعیین میزان خسارت حاضر به قبول قضاوت دیوان دادگستری بین‌المللی خواهد بود. گزارش مفصل دکتر مصدق به مجلسین به وسیله رادیو به اطلاع عامه رسید.<sup>۶۷</sup>

۱۴ مهر لایحه قانونی ازدیاد سهم کشاورزان و سازمان عمران کشاورزی (ایجاد شوراهای ده و دهستان و بخش) تصویب شد. این قانون علاوه بر تغییر اساسی در روابط روستایی و ازدیاد سهم روستاییان از درآمد، شامل تعمیم حق تعیین سرنوشت به دهستانهای ایران بود.<sup>۶۸</sup>

۱۹ مهر اعتصاب کارگران راه‌آهن با دخالت حزب توده.

۲۱ مهر سخنگوی دولت فاش ساخت که سرلشگر عبدالرحسین حجازی و سرلشگر زاهدی و برادران رشیدیان و چند تن دیگر که مصونیت پارلمانی دارند، به نفع یک سفارت خارجی مشغول تحریک و توطئه علیه دولت بودند. سخنگوی دولت افزود: «آنهايي که مصونیت پارلمانی نداشتند امروز صبح از طرف فرمانداری نظامی بازداشت و تحویل زندان گردیدند»

۲۵ مهر مجلس سنا با لوائح عنو خلیل طهماسبی و مصادرة اموال احمد قوام مخالفت کرد و آن را خلاف قانون اساسی و قوانین موضوعه دانست.

۳۰ مهر قطع رابطه سیاسی با دولت انگلستان.

۱ آبان در جلسه مجلس با تفسیر اصل پنجم قانون اساسی، مدت مجلس سنا از چهار سال به دو سال تقلیل یافت و در نتیجه مجلس سناي لؤل که بیش از دو سال از عمرش می‌گذشته تعطیل شد.

۳ آبان سناتورها برای تشکیل جلسه خواستند به بهارستان وارد شوند ولی درهای مجلس به روی آنها بسته شد. در منزل نظام‌السلطنه مافی تشکیل جلسه دادند و اعلام کردند که تا آخر مدت دوره فعلی خود را سناتور می‌دانند و هر قانونی که بدون رعایت اصل ۴۶ قانون اساسی فقط به تصویب مجلس برسد، اعتبار نخواهد داشت.

۵ آبان شاه قانون تفسیر اصل پنجم را توشیح کرد و از دولت خواست اقدام قانونی برای انجام انتخابات سنا به عمل آورد.

۸ **آبان** وزیر دادگستری لایحه‌ای برای تعقیب احمد قوام به این شرح که «مجلس شورای ملی به وزارت دادگستری اجازه می‌دهد که نسبت به وقایع ۲۶ تا ۳۱ تیر ۱۳۳۱ آقای احمد قوام را مورد تعقیب قانونی قرار دهد» به مجلس برد که روز ۱۳ آبان به تصویب رسید.

۱۱ **آبان** لایحه قانونی شهرناریها شامل تشکیل انجمنهای شهر به موجب اختیارات مصدق تصویب شد در این قانون برای اولین بار در ایران بانوان از حق رأی و انتخاب شدن محروم نشدند.

۱۳ **آبان** طرح قانونی عفو و آزادی خلیل طهماسبی به دولت ابلاغ شد. لو پس از آزادی به ملاقات کاشانی رفت (۲۴ آبان).

۱۵ **آبان** لایحه ملی شدن تلفن به قید دو فوریت به مجلس برده شد و در تاریخ ۲۵ آذر به تصویب رسید.

۳۰ **آبان** لطفی وزیر دادگستری با توجه به اختیارات دکتر مصدق دست به تغییرات و اصلاحات دامنه‌داری در دادگستری زد.

۵ **آذر** تصویب اساسنامه شرکت ملی نفت ایران به موجب قانون اختیارات مصدق و در نتیجه تأسیس رسمی این شرکت.

۵ **آذر** تصویب لایحه تشکیل هیأت نظارت صنعتی به منظور حمایت از صنایع کشور و نظارت در وضع فنی و مالی و انلوه و بهره‌برداری کارخانه‌ها و کارگاههایی که نیاز به حمایت و راهنمایی پیدا می‌کنند.

۱۱ **آذر** تصویب لایحه قانونی مطبوعات، با استفاده از قانون اختیارات دکتر مصدق قانون مطبوعات را در ۵ فصل و ۴۶ ماده تصویب کرد که به موجب آن توقیف روزنامه توسط شهربانی یا حکومت نظامی ممنوع شد و منوط به صدور حکم دادگاه گردید که می‌بایست با حضور هیأت منصفه به جرائم مطبوعاتی رسیدگی کند. یا سهولتی که در شرایط انتشار بود، هر کس می‌توانست روزنامه یا مجله‌ای صادر کند. چون در ماده ۳ این قانون شرایط درخواست کننده عبارت بود از: ایرانی باشد؛ سن از ۲۰ سال کمتر نباشد؛ مواد خواندن و نوشتن داشته باشد؛ سوء سابقه کیفری که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد، نداشته باشد و مهجور نباشد.

۱۱ **آذر** دکتر بقائی دولت را در مجلس مورد سؤال قرار داد با بسته شدن مجلس سنای مجلس شورای ملی یک‌هفته تاژ میدان سیاست شد و لوایح مورد اختلاف از جمله دو لایحه خلاف قانون اساسی - مصادره اموال و محکومیت احمد قوام و برائت خلیل طهماسبی قطعیت یافت. اختلاف درون جبهه ملی مشتعل شد و بازتاب بیرونی پیدا کرد و عوامل دربار و شرکت نفت سابق آتش بیار معرکه شدند تصویب چند لایحه به موجب اختیارات از سوی دکتر مصدق از جمله «لایحه قانونی مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد و اختلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی» (۱۷ مهر ۱۳۳۱) و «لایحه قانونی مجازات اخلاک‌گرازان در صنایع نفت ایران» (۲۲ مهر ۱۳۳۱) و «لایحه قانونی مجازات قطع و تخریب وسائل مخابرات و برق» (آذر ۱۳۳۱) و چند لایحه دیگر بهانه شد که دکتر بقائی که هنوز ظاهراً در جبهه ملی بود در این روز دولت را مورد سؤال قرار دهد و به خصوص مسأله تعقیب احمد قوام و استکفاف دولت را در مورد اجرای طرح قانونی مصوب مجلس، مطرح کند او در برابر توضیح دکتر ملک اسماعیلی معاون وزارت دادگستری درباره اقدامات دولت و نحوه قانونی تعقیب پرونده‌های ۳۰ تیر به هنگامی پرداخت و عمق اختلاف را یا دولت مصدق برعلا کرد.<sup>۸۱</sup>

۱۶ آذر دکتر مصدق در نامه‌ای که به مجلس فرستاد تأکید کرد که گفته‌های دکتر بقائی و «تظاهرات چند تن از آقایان نمایندگان محترم [در جلسه ۴ آذر] - اهانت‌آمیز و جنبه تهدید داشته است» و مشمول ماده ۱۰۰ آیین‌نامه داخلی است و خواستار اجرای ماده مزبور درباره کسانی شد که به وزراء و معاونین اهانت و تهدید کرده‌اند و تأکید کرد انتقاد و راهنمایی با توهین و تهدید تفاوت بسیار دارد:

«... ذکر این حقیقت به مورد است که شخص این‌جانب و عده‌ای از وزرائی که سابقاً در دولت این‌جانب شرکت نداشتند مکرراً در مجلس شانزدهم از طرف بعضی از نمایندگان مورد تعرض و بی احترامی و حتی هدف دشنام و ناسزا قرار گرفتند آن روز، چون تمام مملکت برضد مداخلات اجنبی به پا خاسته بود و سیاست بیگانه می‌خواست با حربه فحش و هتاک‌های ایادی خود مرا از طی راه و مقصودی که ملت رشید ایران خواهان ادامه آن بود باز دارد، بدون کمترین توجه به آن جریانات ترم‌آور مأموریت و مسؤولیتی که ملت انجام آن را خواسته بود دنبال کردم و حتی در یک جلسه علنی پشت تریبون مجلس شورای ملی اظهار ناشسته‌ام که ما برای کشته شدن حاضر و آماده‌ایم فحش و کلمات رکیک و الفاظ زشت کمترین انتظار است که در این مبارزه بزرگ ملی داریم، و در موقعی هم که یکی از وزیران کابینه وقت مورد تعرض و حمله یک نماینده در سرسرای مجلس قرار گرفت و بعضی از وکلا در جلسات بعد می‌خواستند فرمول عنبرخواهی تهیه کنند این‌جانب با چنین عملی شخصاً مخالفت کرده و نگذاشتم آن نظریه را به مرحله عمل درآورند ولی امروز که حریف منتظر به زانو درآوردن ملت است اگر اصلاحاتی در داخل کشور صورت نگیرد و سازمانهای آزاری به نفع سلامت مملکت جرح و تعدیل نشوند و افرادی از هر طبقه به نفع محرومین گذشته‌هایی نکنند و مجال کار مثبت برای دولت باقی نماند چگونه می‌توان با چشم امیدوار به آینده نگاه کرد.

آقایان محترم می‌دانند که اصلاحات عمیق و ریشه‌دار همین‌که از مرحله حرف خارج و به عمل نزدیک شد چون به ضرر مستقیم افرادی تمام می‌شود، مخالفین سرسخت پیدا خواهد کرد که جز با یک دولت متکی به قدرت کامل قانون و مستظهر به عواطف ملت و پشتیبانی مجلس شورای ملی ادامه راه برای او غیرممکن و محال است.»<sup>۶۶</sup>

۲۳ آذر گزارش سه ماهه دکتر مصدق نخست‌وزیر به مجلس درباره اقداماتی که بر طبق اختیارات کرده‌اند توسط باقر کاظمی نایب نخست‌وزیر به مجلس ارائه و در سه جلسه کامل ۲۲، ۲۵ و ۲۷ آذر قرائت شد.<sup>۶۷</sup>

۲۶ آذر لایحه قانونی انتخابات مجلس شورای ملی از طرف نخست‌وزیر انتشار یافت تا ظرف ۱۵ روز مردم نسبت به آن اظهار نظر نمایند.

۲۷ آذر لایحه تأسیس شرکت اتوبوس‌رانی عمومی به قید دو فوریت به مجلس داده شد و در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۳۱ به تصویب رسید.

۱۴ دی بلوای قم در شهر قسم، مجالس و اجتماعاتی علیه آیت‌الله سیدعلی اکبر بررقمی که به همراهی حزب توده در کنگره صلح وین شرکت کرده بود برگزار می‌شد ولی در واقع صاجرا بهانه‌ای بود برای ضدیت با دولت و مستمرک قول‌دادن بحث شرکت زنان در انتخاباته بحثی که با انتشار لایحه قانون انتخابات - جهت اظهار نظر مردم - شروع شده بود که بالاخره روز ۱۴ دی در قم تبدیل به یک

بلوا شد این فتنه با اقام سریع دولت و دخالت اینالله بروجردی که در عین حال از تحریکات کاشانی و اعمال فتنیان اسلام دلخوش نبود فروکش کرد.

۱۴ دی توپخانه‌های دربار از قبیل بلوای قم برای تضعیف دولت ملی در ارتباط با چلوسان انگلیس همراه با شکاف در جبهه ملی موجب شد دکتر مصدق مستقیماً آماج حملات برخی از اعضای فراکسیون نهضت ملی در مجلس قرار گیرد پس از انتشار لایحه انتخابات در جلسه ۱۳ دی طرحی به امضای ۱۶ نفر از وکلا به کارگردانی دکتر بقائی و شمس قنات‌آبادی علیه دولت تهیه شد که نشان همکاری بین وکلای درباری و این عده بود. بنا بر این طرح، هیچ طرح و لایحه‌ای نمی‌تواند به موجب امضای رئیس دولت باعث تعطیل یا فسخ شدن مجلس فعلی گردد. (عنت این بود که به موجب لایحه انتخابات تصدق وکلای مجلس، در صورت تصویب، افزایش می‌یافت. مخالفان نگران بودند که شاید بر اثر تفسیر حد نصاب، مجلس هفتاد و اندی نفری، از رسمیت ساقط شود). بحث در اطراف این طرح تشنج شدیدی ایجاد کرد و چند تن از نمایندگان برای جلوگیری از تصویب آن از جلسه خارج شدند و مجلس از حد نصاب افتاد.

۱۶ دی دکتر مصدق پیام مفصلی از رادیو به ملت ایران فرستاد و گفت: «ایا سزاوار است در روزهایی که جرچیل رهبر امریکاست و دولت ایران نیز به مذاکرات مهمی مشغول است جماعتی از پشت به حکومت خود خنجر بزنند و دانسته یا ندانسته مجاهدات ملی را قربانی غرض‌رانی یا کوتاه نظری یا بی‌اطلاعی خود سازند. دو سه تن از امضاکنندگان طرح دیروز، کسانی هستند که دستشان آلوده به خون بی‌گناهان می‌تیر است. حالا باید دانست چه علل و جهاتی باعث شده تا آنها بی‌که مجازات مسیین فجایع می‌ام تیر را [دکتر بقائی و قنات‌آبادی و طرح محکومیت قوام و سخنان ۱۱ آذر بقائی در مجلس] به عجله از دولت مطالبه می‌کنند یا آن عده امضای خود را در ذیل یک ورقه گذاشته‌اند.» و افزود هر روزی که طرح جدید لایحه انتخابات در معرض الحکار عمومی گذاشته شد یکی از آقایان نواب رئیس یا تلفن تذکر داد روزی که این لایحه به امضا برسد، حد نصاب تشکیل جلسه تغییر خواهد کرد. جواب دادم که هیچ قانونی عطف به ماسبق نمی‌شود ولی برای اینکه سوء تفاهمی باقی نماند در موقع امضا و اجرای لایحه تبصره‌ای اضافه خواهد شد که حد نصاب تشکیل مجلس و جلسات علنی مندرج در لایحه از دوره هجدهم مشبر خواهد بود.<sup>۳۳</sup> تمکلی وسیع این جریان و مندرجات موافق و مخالف در این مورد موضوع را در ابعاد وسیع متشر ساخت و بار دیگر تشنج موجب شد تظاهرات در خیابانهای تهران و دیگر شهرها در حمایت از دولت شروع شود.

۱۶ دی به دنبال پیام رادیویی به ملت ایران، دکتر مصدق ضمن شمع‌های به مجلس بزرگ هم تاکید کرد که هیچ قانونی عطف به ماسبق نمی‌شود و برای رفع نگرانی ماده‌ای به لایحه قانونی خواهم افزود که جای شهادی باقی نماند و تقاضای رأی اعتماد کرد. از ۶۵ نفر عده حاضر ۶۴ نفر به دولت لبراز اعتماد کردند.

۱۷ دی نامه دکتر مصدق به آیزنهاور به مناسبت استغراق وی در مقام ریاست جمهوری امریکا و جواب آیزنهاور.<sup>۳۴</sup>

۱۷ دی دکتر بقائی در روزنامه شاهد طی مقاله‌ای مصدق را به بلاد استقامت گرفت و از اطرافین او به زشتی یاد کرد.

**۱۸ دی** دکتر مصدق طی نامه و لایحه‌ای که باقر کاظمی وزیر دارایی و نائب نخست‌وزیر به مجلس تقدیم کرد از مجلس تقاضا کرد که اختیاراتش به مدت یک سال تمدید شود. پس از قرائت این نامه، حسین مکی گفت با این وضع استعفا می‌دهم و استعفای خود را روی تریبون گذاشت و در مصاحبه‌ای مصدق را به هیتلر تشبیه کرد و گفت مصدق مرتکب انستیاهی می‌شود که زیانهای فاحش و جبران ناپذیری برای ایران دلرد.

**۲۵ دی** دکتر یقانی در مجلس به عنوان مخالف با تمدید اختیارات سخن گفت و تظاهرات شدیدی از طرف تماشاچیان له و علیه مکی و یقانی و مصدق صورت گرفت.

**۲۸ دی** آیت‌الله کاشانی ضمن نامه‌ای به مجلس متذکر شد که تمدید اختیارات مصدق خلاف قانون اساسی است. خاتری‌زاده با کاشانی هماهنگ شد.



جمعی از بانوان کارکنان شرکت ملی نفت ایران بر فراز کشتی نفتکش ایتالیایی میریلا در کنار ناخدای کشتی قبل از سفر موفقیت‌آمیزش به ایتالیا  
عکس از انبوم خصوصی خانم عزیزه شیانی (مقر سوم از سمت راست) و با تشکر از ایشان

**۲۹ دی** پس از سفر نافرجام نفتکش رزماری، یک شرکت دیگر ایتالیایی به نام سوپور پیمانی برای خرید نفت با ایران بسته در این روز نخستین کشتی این شرکت به نام میریلا با ظرفیت ۵ هزار تن پس از بارگیری در آبانان به راه افتاد و ظرف ۲۴ روز به بندر ونیز در ایتالیا رسید. روز ۱۹ اسفند دادگاه ونیز دادخواست شرکت سابق را برپای توکیفه محموله میریلا رد کرد و بدین‌سان محاصره اقتصادی علیه ایران ترک برداشت. میریلا دوبار دیگر، نفتکش ۱۱ هزار تنی آلیا سه بار و بالاخره نفتکش ۱۲ هزار تنی سالو یک بار تا کودتای ۲۸ مرداد در بندر معشور و آبانان بارگیری کردند.<sup>۱۳</sup>



۲۹ دی تخصص اعضای فراکسیون نهضت ملی در مجلس تا تصویب لایحه اختیارات.

۲۹ دی تظاهرات در تأیید اختیارات در شهرستانها به لوج رسید از خوزستان سه هزار کفن پوش عزیمت تهران شدند. در تبریز تظاهرات زیادی صورت گرفت.

۳۰ دی کاشانی نامهای به نخست‌وزیر نوشت و او را از گرفتن اختیارات برحذر داشت.

۳۰ دی در جلسه فوق‌العاده شب معتمبه مجلس دکتر بقایی در مخالفت با تمدید اختیارات سخن گفت و بالاخره در همین جلسه از عضویت جبهه ملی استعفا کرد لایحه تمدید اختیارات دکتر مصدق به مدت یک سال با ۵۹ رأی از ۶۷ نفر عده حاضر تصویب شد.

۱ بهمن لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی کلرگزین و تأسیس سازمان بیمه‌های اجتماعی کلرگزین - اقلام کم نظیری به سوی ایجاد رفاه و عدالت اجتماعی - براساس اختیارات تصویب شد.  
۱ بهمن لایحه قانونی تأسیس بانک ساختمانی و اساننامه آن جهت توسعه مسکن و خانه‌های ارزان قیمت، تصویب شد.

۲ بهمن پیام رادیویی مصدق درباره علت تقاضای اختیارات و در رد افتاء شیما و شایعات  
۷ بهمن در محلی واقع در درازشیب (شهران) مصدق و کاشانی با حضور جمعی از نمایندگان دیدار کردند و ضمن ایراد ایرادات خود اعلامیه مشترکی صادر نمودند.

۹ بهمن مصدق به سادجیکف سفیر اتحاد جماهیر شوروی اطلاع داد که مدت قرارداد شیلات دریای خزر پایان یافته و دولت ایران مایل به تمدید امتیاز نیست.

۱۹ بهمن طرحی به نام «قانون منع تهیه و خرید و فروش و مصرف نوشیدنی‌های الکلی و مشتقات آن» بخشی از یک توطئه علیه دولت از جانب شمس قنات‌آبادی در مجلس مطرح شد و مناقشه در محیطی آلوده به ترس از تکفیر با تغییراتی که اجراء آن را به عهده تعویق می‌انداخت، تصویب شد. در شرایط سخت اقتصادی، هدف این بود که دولت ملی را از درآمد رسومات و مالیات ناشی از بانفوذ محروم کرده و درگیر اجراء این قانون و مبارزه با قاچاق کنند.

۲۴ بهمن نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام از زندان آزاد شد.

۲۹ بهمن نمایندگان شرکت زاپنی ایدمیستو برای خرید نفت وارد ایران شدند و اولین تفتیش زاپنی در فروردین ماه در لبنان بازگویی کرد.

۳۰ بهمن سرتیب افشار طوس به سمت ریاست شهرستانی برگزیده شد.

۱ اسفند هندرسون سفیر آمریکا پیشنهاد جدیدی به نام طرح مشترک دولتهای آمریکا و انگلیس، معروف به پیشنهاد آیزنهاور - چرچیل، تسلیم نخست‌وزیر کرد در این پیشنهاد براساس اصل ملی شدن ادلره صنعت نفت در ایران ظاهراً تحت کنترل دولت ایران قرار می‌گرفت اما مصدق مذاکره درباره اختلافات از جمله پیشنهاد تشکیل یک کنسرسیوم را موکول به تعیین میزان خسارت کرد. دولت انگلستان خواستار دریافت خسارت عدم النفع بود و حتی حاضر نشد براساس پیشنهاد متقابل مصدق جهت پذیرش لراجع دعوی به حکمیت دیوان دادگستری بین‌المللی توسط ایران، میزان حداکثر (سقف) خسارات مورد مطالبه شرکت سابق را قبلاً تعیین کند مذاکرات در تهران با سفیر آمریکا انجام می‌شد.<sup>۱۸</sup>

۲ اسفند ابوالقاسم بختیار در جنوب تورش کرد از طرف دولت سرهنگ تیمور بختیار فرستاده نایب ۳ کوهستانی تهران با گردان یاده برای مقابله با ابوالقاسم خان به اصفهان رفت. دکتر مصدق خود درباره

این توطئه و مواردی دیگر که افسران تصفیه شده ارتش در آن نقش پیدا کرده بودند چنین می گوید: « مشاهده شد تحریکات بر علیه شخص این جانب و تضعیف دولت از قبیل غائله ابوالقاسم بختیار در خوزستان [و بختیاری] و تحریک عناصر مفسده جو به وسائلی که مخالفین دولت در دست داشتند جریان دارد.»<sup>۱۷</sup>

۶ اسفند سرلشکر فضل الله زاهدی بازداشت شد.

۷ اسفند لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری به موجب قانون اختیارات تصویب شد و برای اولین بار استقلال کامل حرفه وکالت در جهت پیشبرد حق دفاع تأمین گردید.

۹ اسفند توطئه ۹ اسفند برای قتل دکتر مصدق در تبریز به بهانه مسافرت شاه به خارج؛ بنا به خواسته و تمایل شاه که ظهراً می خواست جهت معالجه و درمان نازایی همسرش ملکه نریا بدون سر و صدا از راه زمین به خارج سفر کند دولت تمام وسائل حرکت را فراهم نمود حوالی ظهر عده ای به تحریک آیت الله بهبهانی و نیز افسران تصفیه شده ارتش در برابر کاخ اختصاصی تجمع کردند و آیت الله کاشانی نیز در اعلامیهای از مردم خواست که مانع مسافرت شاه به خارج شوند. قرار بود هنگام خروج مصدق از کاخ اختصاصی او را به هلاکت رسانند مصدق از راه دیگری تصادفاً با کمک راننده دربار محوطه کاخ را ترک کرد جمعیت به خانه او که همان نزدیکی بود حمله کردند و با مقاومت محافظان منزل به فرماندهی سروان ایرج ناوریناه ناچار به عقب نشینی شدند مصدق از در دیگری از اقامتگاه خود به ستاد ارتش و سپس به مجلس رفت و ماجرا را به اطلاع نمایندگان رساند و خود موقتاً در بیمارستان مستقر شد.<sup>۱۷</sup>

۱۰ اسفند سرلشکر محمود بهارمست رئیس ستاد ارتش از کار برکنار شد و به جای او سرتیپ تقی ریاحی به ریاست ستاد ارتش و سرتیپ مدبر به فرمانداری نظامی تهران و سرتیپ محمود امینی به معاونت وزارت جنگ منصوب شدند.

۱۰ اسفند بازار تهران و برخی شهرستانها به حمایت از مصدق تعطیل شد.

۱۱ اسفند مصدق در پیامی ضمن تشکر از مردم که به عنوان اعتراض دست به اعتصاب و تعطیل عمومی زده بودند گفت: «از همگی هموطنان عزیز اعم از اهالی محترم پایتخت و شهرستانها درخواست می کنم یا کمال متانت و آرامش که روش پسنیدیده همیشگی شما است به تعطیل عمومی خاتمه داده و به مشاغل روزانه خود اشتغال ورزند و مطمئن باشند چنان چه لازم شد مشکلات را به عرض ملت ایران خواهم رساند و از پایمردی و همت شما مدد خواهم گرفت.»

۱۴ اسفند تشکیل هیأت هشت نفری: مجلس از بین خود هشت نفر را تعیین کرد تا اختلافات بین شاه و مصدق را حل کنند و حدود کار و اختیارات دولت و شاه را در قانون اساسی تعیین نمایند.

۲۰ اسفند لایحه قانونی اساستامه بانک توسعه صادرات و تشکیل بانک توسعه صادرات برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی به تصویب رسید.

۲۱ اسفند هیأت هشت نفری نظر خود را تسلیم مجلس کرد و صریحاً اظهار عقیده نمود که شاه از مسؤولیت مبرا است و به هیچ وجه حق مداخله در امور کشور را ندارد و به عبارت دیگر باید سلطنت کند و نه حکومت! دکتر بقائی و حائری زاده که عضو این هیأت بودند، همراه وکلای درباری با خود نظری از

شرکت بر جلسات مجلس و ایجاد جنجال و بی‌نظمی کار مجلس را فیلج کردند و مسأله طرح و تصویب نهایی گزارش شدند<sup>۲۶</sup>

۲۶ اسفند سرلشکر زاهدی و جماعت دیگری که روز نهم اسفند بازنشسته شده بودند، آزاد شدند.

۲۸ اسفند پیام مصدق به مناسبت آغاز سال ۱۳۳۲.<sup>۲۷</sup>

۲۹ اسفند مصدق طی پیامی رد پیشنهاد ایزنهاور - چرچیل را به اطلاع عامه رساند که دلیل اصلی آن عدم آمادگی ایران به پرداخت خسارت عدم‌النفع بود.

۱۳۳۲

۱۵ فروردین دانیس وزیر خارجه امریکا اعلام کرد که دولتس پیشنهاد دیگری برای حلّ مسأله نفت ندارد.

۱۷ فروردین پیام و گزارش مصدق به ملت ایران در باره توطئه ۹ اسفند ۳۱ و سایر توطئه‌های دربار.<sup>۲۸</sup> شامل شرحی درباره توطئه‌های مشترک ایلادی دو قدرت؛ درخواست تصدی وزارت جنگ؛ بسته شدن کسولگریهای انگلیس؛ افسران بازنشسته؛ نیت شاه جهت سفر «محرمانه»؛ اجتماع چاقوکشان برای کشتن وی؛ حمید رضا برادر شاه راه‌گشای افسران و چاقوکشان؛ توطئه عظیم گذاردن نهضت ملی؛ شاه باید سلطنت کند، نه حکومت!

۲۶ فروردین به دنبال قرارداد شرکت زاپنی ایده مینسو با شرکت ملی نفت ایران، نفتکش ۲۰ هزار تنی سومارو پس از بارگیری در آبانلن ایران را ترک کرد و روز ۱۷ اردیبهشت وارد بندر کاوازاکی شد. شرکت سابق نفت بی‌درنگ به دادگاه توکیو برای توقیف محموله نی‌سومارو دادخواست داد. روز ۲۶ اردیبهشت دادگاه توکیو حکم به رد دادخواست شرکت سابق داد و پس از ایتالیا یک بار دیگر راه بازار نفت به روی نفت ایران باز شد. نفتکش نی‌سومارو تا کودتای ۲۸ مرداد دوبار دیگر، ۱۷ خرداد و ۱۳ مرداد و کشتی دیگر ایده‌مینسو به نام کومی‌مارو یک بار دیگر در ایران بارگیری کردند.<sup>۲۹</sup>

۲۷ فروردین تظاهرات وسیع چندین هزار نفری احزاب چپه ملی (ملت ایران، ایران، نیروی سوم) در میدان بهارستان، و تظاهرات حزب توده در خیابان شاه‌آباد برای اعتراض به اقلیت مجلس و تقاضای تصویب گزارش هیأت ۸ نفری.

۲۹ فروردین مجلس پس از دو ماه تشکیل جلسه داد ولی مجدداً هنگام طرح گزارش هیأت ۸ نفری، اقلیت مجلس را فیلج کرد و از رسمیت ساقط نمود.

۳۰ فروردین ابوالقاسم بختیار که از نوایل اسفند یعنی شده بود در جنگ با قوای دولتی شکست خورد و تسلیم شد.

۱ اردیبهشت سرتیپ محمود افشارطوس رئیس شهرتانی کل کشور مفقود شد.

۲ اردیبهشت حسین‌علا وزیر دربار از کار کناره‌گیری کرد.

۳ اردیبهشت در ارتباط با ربودن افشارطوس چهار نفر از امرای بازنشسته لرتش بازداشت شدند.

۵ اردیبهشت ابوالقاسم امینی با توافق مصدق به کفالت وزارت دربار منصوب شد.

۵ اردیبهشت فوریت دوم و سوم طرح گزارش هیأت هشت نفری تصویب شد لکن اقلیت هنگام طرح اصل مطلب، جلسه را بر هم زد.

۶ اردی بهشت جسد افشارطوس در تپه‌های لشگرک در غاری نزدیک تلو کشف شد.

۷ اردی بهشت مجلس باز هم با جارو جنگال و حتی زد و خورد موافق و مخالف رو به رو شد و کاری به پیش نرفت.

۷ اردی بهشت نامه تسلیم مصدق به خانواده افشارطوس، همزمان افشارطوس به درجه سرلشگری ارتقا یافت.

۹ اردی بهشت اعتصاب کارکنان کشتارگاه شروع شد و دو هفته ادامه یافت در پایان اعتصاب نرخ گوشت هر کیلو ۲۶ ریال تعیین شد.

۱۲ اردی بهشت فرمانداری نظامی اعلام کرد که رئیس شهرداری را چند نفر از افسران بازتسلطه و مخالفان دولت ربوده و به قتل رساندند، دکتر مظفر بقائی و سرلشکر زاهدی در این جنایت سهیم بودند.<sup>۸۲</sup> در میان نوطه‌کنندگان نام لافقل سه نفر از قوالم نزدیک زاهدی - افشار قاسم‌لو؛ یار افشار؛ و سرتیپ نصرالله زاهدی به چشم می‌خورد. به علاوه پناجر نوشته‌ها و خاطرات و اعترافهای بعدی‌ی عوامل جاسوسی انگلیس (MI6)، آنان در طراحی این نوطه پیش قدم بوده‌اند.

۱۲ اردی بهشت سرتیپ نصرالله مدیر رئیس شهرداری شد.

۱۳ اردی بهشت فرمانداری نظامی زاهدی را احضار کرد.

۱۳ اردی بهشت سرتیپ محمود امینی فرمانده ژاندرمری شد.

۱۴ اردی بهشت کاشانی و سینمهدی میرانشرفی وسیله تحصن زاهدی را در مجلس برای جلوگیری از بازداشت لو فراهم کردند.

۱۴ اردی بهشت اعتصاب کارگران دخانیات با دخالت حزب توده این اعتصاب در شرایط بحرانی تا ۱۷ اردی بهشت ادامه یافت.

۱۵ اردی بهشت کارشناسان ایرانی توانستند کارخانه روغن‌سازی آبادان را که هنگام خلع ید تپه تمام بود به کار اندازند و محصول آن به نام «پیرانول» به بازار رسید و نیاز کشور به روغن موتور تأمین شد. به دنبال آن کارخانه بشکه‌سازی آبادان نیز به دست کارشناسان شرکت ملی نفت به کار افتاد. این پیروزی پس از راهاندازی مجدد بزرگترین دستگاه پالایش آبادان و روشن شدن شعله گاز برفراز پالایشگاه هنگام حضور هیأت ایرانی در شورای امنیت ملل متحد (۱۳۳۰) در شرایط صلح از دمیسه زمستان و بهار ۱۳۳۲ یک عمل تکان دهنده بود.<sup>۸۳</sup>

۱۹ اردی بهشت مصدق شاه را وادار کرد املاکی را که زمان نخست‌وزیری هزیر به موجب قانون ۲۰ تیر ۱۳۲۸ از دولت پس گرفته بود، پس دهد. اینها بخشی از املاکی بود که رضاشاه به زور از مالکان آن به سود خود ستانده بود و پس از سقوط او در شهریور ۲۰ در اختیار دولت قرار گرفته.

۲۴ اردی بهشت عبدالعلی لطفی وزیر دادگستری از مجلس تقاضا کرد که از دکتر بقائی به اتهام معاونت در قتل افشار طوس سلب مصونیت پارلمانی شود.

۲۶ اردی بهشت بازپرس دادگستری برای رهبران حزب توده به اتهام داشتن مرام اشتراکی قرار منع تعقیب صادر کرد این تصمیم به این معنا بود که دادگستری عضویت حزب توده را غیر قانونی نمی‌دانست.<sup>۸۴</sup>

۲۷ اردی بهشت بنا بر گزارش سفیر آمریکا به واشنگتن، شاه توسط یکی از معتمدین خود به او پیام داد بود که اگر انگلیسها می‌خواهند مانند پدرم مرا هم مرخص کنند بگویند وگرنه اجازه دهند هر جور که خودم می‌دانم حکومت کنم و مصوبه هیأت هشت نفری را تحمیل نکنند.<sup>۴۶</sup>

۳ خرداد گزارش هیأت هشت نفری با قید سه فوریت در مجلس مطرح شد، ولی هنگام رسیدگی به فوریت دوم اعضای تقویت از جمله دکتر بقائی و حائری‌زاده که خود عضو هیأت هشت نفری از امضاکنندگان گزارش بودند یا سر و صدا و ترک جلسه کار مجلس را قطع کردند.

۷ خرداد مصدق در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور آمریکا از جمله متذکر شد قدری می‌آید که آقای وزیر خارجه آمریکا از کراچی برای این جانب ارسال داشتند اظهار تأسف کردند از این که تاکنون آمریکا در مجاهدات خود برای کمک به حل مسأله غرامت توفیق حاصل نکرده است. باید به خاطر داشت که دولت ایران حاضر شد دیون دادگستری بین‌المللی قیمت اموال شرکت سابق در ایران را هر قدر تعیین کند بپردازد و نیز حاضر شد که صلاحیت دیون مزبور را درباره غرامت به این شرط قبول کند که قبلاً دولت انگلیس مدعی به [حداکثر خواسته] خود را در حدود منطبق و انصاف تعیین نماید بدین معنی است که دولت ایران هم از شرکت سابق و دولت انگلیس مطالباتی دارد که در موقع طرح دعوا اظهار می‌کنند.<sup>۴۷</sup>

۷ خرداد (۳ ژوئن ۱۹۵۳) یکی از مدیران شرکت سابق نفت به نام راس که هنگام طرح ید ریاست پالایشگاه آبادان را به عهده داشت طی نامه‌ای از بغداد به دکتر مصدق از او درخواست کرد جهت پذیرای مذاکرات به سفیر ایران دستور دهد که با وی ملاقات کنند. دکتر مصدق فوراً فواد روحانی مشاور حقوقی شرکت ملی نفت را با جواب نامه به بغداد فرستاد.

روحانی روز ۲۸ خرداد به بغداد رسید و پس از چهار روز مذاکره مطلوب روز سوم تیر به تهران بازگشت و به مصدق گزارش داد که شرکت سابق حاضر شده است نظرات دولت ایران را در مورد تعیین سقف غرامات مورد مطالبه شرکت سابق برخلاف گذشته بپذیرد و میزان مدعی به (خواسته دعوی خسارت) را جهت ارجاع داوری به دیون دادگستری بین‌المللی تعیین کند و چون فحاشه مذاکره را در تهران مقتضی نمی‌دانند، می‌خواهد که بار دیگر در صورت پذیرش پیشنهاد او مذاکرات در اروپا انجام شود. روز نهم تیر تلگرافی از راس می‌رسد که روز چهارم ژوئیه (۱۲ تیر) در ژنو منتظر خواهد بود و روحانی بنا بر فرار به ژنو می‌رود ولی از راس خبری نمی‌شود تا این که دو روز بعد (۱۵ تیر) اطلاع می‌دهد که تعهدات دیگرش مانع حضور او در ژنو است.

همزمان یکی از کارشناسان نفت به نام لوی (Levi) که همراه هریسن به تهران رفته بود، پیشنهاد مشابهی توسط آل‌لایر صالح سفیر ایران در واشنگتن به مصدق داد که غرامت بر مبنای خسارتی که هنگام ملی شدن نفت در مکزیک پرداخت شده محاسبه شود. که آن نیز مورد قبول دولت ایران بود ولی سرنوشتی بهتر از پیشنهاد راس پیدا نکرد.<sup>۴۸</sup>

۹ خرداد هندرس سفیر آمریکا در ملاقات با شاه مسأله جنبشیتی مصدق و ضرورت تعبیر دولت را مطرح کرد. شاه پیشنهاد آمریکا و انگلیس را برای نخست‌وزیری زاهدی پذیرفت مشروط به آن که از طرق عادی انجام شود و قرار شد به ابوالقاسم امینی کفیل ولزرت دربار بگوید که در این ملاقات تأکید کرده است جز مصدق کسی دیگری نمی‌تواند مسأله نفت را حل کند.<sup>۴۹</sup>

۱۷ خرداد کمیسیون دادگستری مجلس از دادگستری خواست که پرونده کامل دکتر یقانی به اتهام معاونت در قتل سرلشکر افتخار طوس، برای رسیدگی به تقاضای سلب مصونیت به این کمیسیون ارسال شود.

۱۷ خرداد با اتمام دوره مأموریت هیأت رئیسه مجلس، در مجلس بر سر انتخاب رئیس زد و خورد شد. محمود نریمان و اقبال را مجروح کردند.

۱۸ خرداد یک هیأت برای مذاکره درباره بازرگانی پایاپای و فروش نفت به ایتالیا رفت.

۲۰ خرداد موافقتنامه جدید بازرگانی ایران و شوروی امضا شد. سادجیکف سقیر روس به ملاقات مصدق رفت و مصدق خواستار استرداد ۲۰ تن طلای ایران از شوروی گردید.

۲۰ خرداد بر طبق اختیارات، در لایحه قانونی متمم لایحه قانونی مطبوعات (۲۱ بهمن ۱۳۳۱) با تغییراتی جزئی یک بند به شرایط درخواست کننده امتیاز روزنامه اضافه شد و آن داشتن «حسن شهرت» بود. به علاوه، با توجه به این که پس از بلوای قسم (دی ماه ۱۳۳۱) و دخالت آیتالله بروجردی در عقیم کردن توطئه علیه دولت، توهین و افترا نسبت به او موجب نگرانی بسیاری از افسار شده بود و منتهی به اعتراض شدید جامعه روحانیت گردید، لذا دو ماده نیز در حمایت از شخص اول روحانیت که مرجع تقلید عمومی است، یعنی «مرجع عام» که فقط شامل آیتالله بروجردی می‌شد به قانون مطبوعات اضافه شد. در این دو ماده افترا و بیان مطالب خلاف واقع و حقیقت نسبت به مرجع عام قابل مجازات، چنانچه از سه ماه تا یک سال حبس تأدیبی و توقیف تشریح ساخته شد.<sup>۴۴</sup>

۲۴ خرداد محاکمه منتهمین غانله ۹ اسفند آغاز شد.

۲۹ خرداد میتینگ فراکسیون نهضت ملی در میلان بهارستان به مناسبت سالروز خلع پید از شرکت سابق نفت با سخنرانی دکتر شایگان، مهندس رضوی و دکتر سنجلی درباره مشکلات مجلس و اسباب چینشها.

۴ تیر دیدار اعضای دو فراکسیون پارلمانی اتحاد و کشور با مصدق. او در این ملاقات درباره اسباب چینشهای اقلیت در مجلس علیه دولت و مسئولیت دولت در برابر مردم و لزوم خروج دولت و ملت از بن‌بست سخن گفت.<sup>۴۵</sup>

۷ تیر ستاد ارتش اطلاعیه‌ای درباره نحوه تسلیم ابوالقاسم بختیار و عقیم مانندن کوشش عوامل انگلیس جهت ناامن کردن مناطق نفت خیز منتشر کرد.

۸ تیر سادجیکف سفیر شوروی از ایران فرارخوانده شد. با رفتن او گفتگو برای استرداد طلاهای ایران و حل مسائل مرزی متوقف ماند.

۸ تیر کارگران کوره‌پزخانه به علت کمی مزد اعتصاب کردند و با اقدام دولت و وزیر کار، اعتصاب پس از شش روز (۱۵ تیر) به سود کارگران خاتمه یافت.

۱۱ تیر در مجلس شورای ملی برای برگزیدن رئیس رأی گرفته شد. از ۲۳ تن عده حاضر ۴۱ رأی به دکتر معظمی و ۲۱ رأی به کاشانی داده شد و دکتر عبدالله معظمی به ریاست مجلس و محمد ذوالفقاری و مهندس احمد رضوی در جلسه ۱۵ تیر به نیابت رئیس برگزیده شدند.

۲۰ تیر نامه مورخ هفتم خرداد ۱۳۳۲ دکتر مصدق و پاسخ مورخ ۱۲ تیر ۱۳۳۲ آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا برای اطلاع عموم منتشر شد. در پاسخ به مصدق آیزنهاور متذکر شد که چون ایران و انگلستان

توانسته‌اند نسبت به غرامت توافق حاصل نمایند. این مسأله ممالک متحده را از هر نوع مساعدت برای کمک به ایران بازداشته است. لکن ممالک متحده امیدوار است کمکهای فنی و نظامی را در صورت تمایل دولت ایران نظیر سال گذشته و بر همان اساس ادامه دهد.

۴۰ تیر علی زهری دولت مصدق را استیضاح کرد. هدف اقلیت از استیضاح این بود که مصدق را به مجلس فراخوانند و پس از برانگیختن جنجال، به دست تماشاگران و چاقوکنشان بکشند.

۲۲ تیر حائری‌زاده به روزنامه‌نگاران گفت در صورتی که «آقای رئیس الوزراه» در مجلس برای حساب استیضاح حاضر نشود «دیگر او را یک رئیس الوزراه قانونی» نخواهیم شناخت. در همین روز آیت‌الله میلانی از مشهد تلگرافی برای مصدق فرستاد که برای حفظ جان او حضور در مجلس مصلحت نیست.<sup>۱۱</sup>

۲۲ تیر دکتر مصدق در مذاکره یا عدهای از نمایندگان گفت: با وضعی که در مجلس هست دولت قادر به ادامه کار نیست زیرا اقلیت به جای اعتقاد اصولی، وقت خود را به همیسه و توطئه علیه دولت می‌گذارند لذا چاره‌ای جز مراجعه به آراء عمومی برای تعیین تکلیف ندارم.<sup>۱۲</sup>

۲۳ تیر ۲۷ نفر اعضای فراکسیون نهضت ملی پس از یک نشست عمومی بر آن شدند که از نمایندگی به طور جمعی استعفا دهند. آنان ضمن اعلام استعفا در نامه‌ای علت استعفا را به رئیس مجلس اطلاع دادند. پس از آن ۲۵ تن دیگر اعضای فراکسیون اتحاد و فراکسیون کشور و منفردین به تدریج به استعفاکنندگان پیوستند. و فقط جناشندگان جبهه ملی و وکلای درباری که ۲۲ نفر می‌شدند به جای خود ماندند.<sup>۱۳</sup>

۲۴ تیر اژانس یهود در ایران به دستور وزارت خارجه برچیده شد.

۲۸ تیر براساس تصمیم قانونی مصدق و به استناد قانون ۱۶ مرداد ۳۱ و قانون اختیارات اعلام شد که روز سیام تیر همه ساله تعطیل رسمی خواهد بود و مراتب در روزنامه رسمی اعلام شد.

۲۸ تیر کریمت روزولت عامل «سیا» از مرز عراق وارد ایران شد.

۳۰ تیر سرلشکر زاهدی از تحصن در مجلس به مخفیگاهی در تهران رفت.

۳۰ تیر پیام مصدق به مناسبت سالروز سیام تیر خطاب به ملت ایران. در این روز تظاهراتی از سوی احزاب ملی به یادبود قیام سیام تیر در بهارستان و از سوی حزب توده در خیابان شاه‌آباد انجام شد. این سومین تظاهرات بزرگ سال ۱۳۳۲ بود. مصدق و اعضای دولت برای انای احترام در آرامگاه شهدای سیام تیر حاضر شدند.

۳ مرداد اشرف پهلوی که به دستور مصدق در اروپا اقامت داشت بدون روآید با پیامی برای براندازی از طرف سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) و «اینتلیجنس سرویس انگلستان» به تهران بازگشت و مجدداً روز ۶ مرداد از ایران لخراج شد.<sup>۱۴</sup>

۴ مرداد لاوریثیف سفیر کبیر جدید شوروی به جای سالدچیکف به ایران رسید.

۵ مرداد ساعت ۲ بعد از ظهر، مصدق در یک سخنرانی رادیویی حلال و روز کشور را با مردم در میان گذاشت و درباره سرنوشت مجلس رای مردم را خواست.

با توجه به انواع کارشکنیها و دسیسه‌ها و تصویب قوانین خلقی الساعة خلاف اصول قانون اساسی به صورت طرح اختصاصی نمایندگان، بدون رعایت نظرات دولت، مانند قانون مصادرة اموال بدون

رسیدگی قضایی و حکم دادگاه) و محکوم کردن او با عنوان منسوخه «مفسد فی الارض» برخلاف قانون مجازات عمومی؛ قانون عفو و آزادی خلیل طهماسبی قاتل رزم آرا و اعلام برائت او باز هم بنون رسیدگی قضایی و حکم دادگاه؛ و یاقشاری بر این قوانین، حتی پس از مرگ شدن آنها در مجلس سنا؛ و به همین جهت انحلال مجلس سنا با تفسیری خارج از مورد از قانون اساسی؛ توطئه تصویب قانون «منع تهیه و خرید و فروش و مصرف نوشابه‌های الکلی» به نیت وارد کردن نطمه به اقتصاد کشور و قطع درآمد رسومات؛ و انتخاب حسین مکی به عضویت هیأت اندوخته اسکناس<sup>۳۸</sup>، مصدق در سخنرانی خود، پس از یادآوری رویدادهای قبل و پس از سی تیر و نه اسفند؛ قتل افشار طوس و تحریکاتی که برای ایجاد بلوا و آشوب در بین عشایر انجام می‌گرفت؛ حملات زنده به خدمتگزاران کشور؛ تعطیل مشروطیت یا منحرف ساختن مجلس از ایفاء وظیفه اصلی خود توسط اقلیت؛ و این که بخش اعظم وقت دولت صرف جلوگیری از انحلال و کارشکنی می‌شود، تصریح کرد:

«در طی این مبارزه و اصلاحات که بنابر اراقة ملت دولت بدان دستبرد، البته منافع عدلای به خطر افتاد و بیگانگان نیز از هر فرصتی استفاده می‌کنند با تحریک و تقویت این عصب هر روز مشکلات تازه‌ای ایجاد کرده تا سرانجام دولت را به زانو در آورند» و در پایان اضافه کرد: «می‌توان گفت مجلس در ماههای اخیر به صورت هسته مرکزی و پایگاه اصلی این اخلاک‌پرهای درآمده است... در کشورهای دموکراسی و مشروطه هیچ قانونی بالاتر از اراقة ملت نیست. به همین جهت دولت... مشکلی را که یا آن مواجه شده یا ملت در میان می‌گذارد و راجع به این مجلس از خود مردم سؤال می‌شود که اگر با ادامه وضع کنونی مجلس تا پایان دوره ۱۷ تقنینیه موافقت ندرند دولت دیگری روی کار بیاید که بتواند با این مجلس همکاری کند و اگر با این دولت و نقشه و هدف آن موافقت رأی به انحلال آن بدهند تا مجلس دیگری تشکیل شود.»<sup>۳۹</sup>

**۷ مرداد** مقررات مراجعه به آراء عمومی به تصویب هیأت وزیران رسید و برای اطلاع عموم اعلام شد قرار شد اخذ آرا در تهران و توابع در یک روز و پس از هشت روز در سایر شهرستانها و قصبات انجام شود.<sup>۴۰</sup>

**۱۱ مرداد** ژنرال نورمن سوارتسکف رئیس پیشین مستشاران نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران به بهانه جهانگردی و دیدار دوستان وارد ایران شد با شاه ملاقات کرد. او حامل پیام سیا و مأمور ابلاغ پشتیبانی آمریکا و انگلستان بود.

**۱۲ مرداد** رفزانم در تهران انجام شد و مردم پایتخت رأی به انحلال مجلس دادند.

**۱۴ مرداد** پیام مصدق به ملت ایران به مناسبت چهل و نهمین سال مشروطیت.<sup>۴۱</sup>

**۱۹ مرداد** رفزانم (۱۹ تا ۲۱ مرداد) در شهرستانها انجام شد متجاوز از دو میلیون نفر، به انحلال مجلس ۱۷ رأی دادند.

**۲۰ مرداد** به دستور (مصدق نخست‌وزیر و وزیر دفاع ملی) عدلای از امرای ارتش بازتست و مشمول تصفیه شدند.

**۲۰ مرداد** اعلامیه مشترک ایران و شوروی منتشر شد به این مضمون که اختلافات (مسأله طلاها و امور مرزی) توسط هیاتی از طرفین حل و فصل خواهد شد.

**۲۱ مرداد** پرونده متهمین واقعه ۹ اسفند به دادگاه تجدید نظر ارجاع شد.



- ۲۲ مرداد ساعت ۹ (پنج‌شنبه) نتیجه رفتارند ملی اعلامیه دولت به وسیله رادیو به اطلاع مردم رسید
- ۲۴ مرداد پیام مصدق به مناسبت اظهار اراده ملی در رفتارند دایر به انحلال مجلس ۱۷.<sup>۱۱</sup>
- ۲۴ مرداد پیش‌بینی‌های لازم جهت پیشگیری از کودتایی که احتمال وقوع آن داده می‌شد در جلسهای با شرکت دکتر غلامحسین صدیقی و وزیر کشور و سرتیب نفی ریاحی رئیس ستاد ارتش در منزل دکتر مصدق.<sup>۱۲</sup>
- ۲۴ مرداد افراد گارد سلطنتی شبگاه دکتر حسین فاطمی و وزیر خارجه، مهندس جهانگیر حقشناس و وزیر راه و مهندس احمد زیرک‌زاده از رهبران حزب ایران را با ضرب و شتم در نیمه شب در منزلشان بازداشت و به لشکر گارد منتقل کردند.
- ۲۵ مرداد ساعت سه باغداد سرهنگ نصیری فرمانده گارد سلطنتی فرمان عزل دکتر مصدق را در خانه ۱۰۹ خیابان کاخ به او ابلاغ کرد و بلافاصله بازداشت شد. در ساعت شش صبح اعلامیه مربوط به چگونگی کودتا تهیه شد و در ساعت هفت صبح از رادیو پخش شد و از هیأت دولت برای تشکیل جلسه دعوت به عمل آمد.<sup>۱۳</sup>
- ۲۵ مرداد قبل از ظهر خبر رسید که شاه از رامسر با هواپیمای اختصاصی همراه با ملکه تریا به بغداد رفته است.<sup>۱۴</sup> در بغداد از طرف ملک فیصل پادشاه عراق از آنان پذیرایی شد. سفیر کبیر ایران مظفراعلم بنابر دستور وزارت خارجه از دیدار با شاه و پیشواز از او خودداری کرد.
- ۲۵ مرداد دکتر مصدق نخست‌وزیر انحلال مجلس هفدهم را به طور رسمی از طرف دولت اعلام کرد و دستور شروع انتخابات دوره ۱۸ قانونگذاری را صادر کرد.
- ۲۵ مرداد عمده‌ای از نظامیان و غیر نظامیان دست‌اندرکار کودتا بازداشت شدند و اطلاعیه‌ای جهت دستگیری سرلشکر زاهدی که مخفی بود صادر شد.
- ۲۵ مرداد بعد از ظهر میتینگ بزرگی در میدان بهارستان و سراسر خیابان شاه‌آباد در حمایت از دولت و درباره فرار شاه تشکیل شد. در این اجتماع دکتر فاطمی، دکتر علی شایگان و مهندس رضوی صحبت کردند.<sup>۱۵</sup>
- ۲۵ مرداد لشکر گارد خلع سلاح شد و پس از فرار شاه به بغداد که بلافاصله پس از شنیدن خبر شکست کودتا صورت گرفت، دکتر فاطمی از طرف دولت جهت حفاظت از اموال عمومی و خصوصی، کاخهای سلطنتی را مهر و موم کرد.
- ۲۶ مرداد نام شاه از دعای صیحه‌گامی و تاسفگامی نیروهای نظامی حذف شد.
- ۲۶ مرداد محمدرضاشاه و ملکه تریا وارد رم شدند و وزیر مختار ایران غلامعلی خواجه نوری (نظام‌السلطان) بنا به دستور دولت از پذیرایی خودداری کرد.
- ۲۷ مرداد هنرمسن که برای ترسیم نقشه‌های گوناگون سقوط دولت ملی به خارج رفته بود، عصر ۲۶ مرداد مراجعت کرد و روز ۲۷ جهت برائت از شرکت در توطئه با مصدق ملاقات کرد.<sup>۱۶</sup>
- ۲۸ مرداد سرهنگ حسینقلی اشرفی فرماندار نظامی تهران (او هم چنین سرتیب نصرالله مدبر رئیس شهرستانی) که ضمن بازجویی از کودتاچیان، متهم به قول تسامح در برابر کودتاچیان شده بودند در محفل کار خود (ساختمان شهرستانی)، حوالی ظهر به دستور سرتیب ریاحی رئیس ستاد ارتش بازداشت شد و سرتیب مدبر از کار برکنار شد.

۲۸ مرداد حوالی ظهر مرتیب محمددفتری به ریاست شهریهائی کل کشور منصوب شد.

۲۸ مرداد سقوط دولت مصدق به دنبال کودتای امریکایی - انگلیسی سرلشکر زاهدی با همدستی دربار و ارتجاع مذهبی<sup>۱۰۵</sup>

\* \* \*

۲۹ مرداد مصدق همراه با دکتر غلامحسین صدیقی وزیر کشور و دکتر شایگان و مهندس سیف‌الله معظمی وزیر پست و تلگراف و تلفن خود را به مقامات نظامی معرفی و تسلیم کردند<sup>۱۰۶</sup>

۲۹ مرداد عنقه زیادی از رجال و همکاران مصدق و افسران محافظت نخست‌وزیری بازداشت شدند از جمله عبدالعلی لطفی وزیر ناآگستری، مرتیب تقی ریاحی، سرهنگ ممتاز، مرتیب مظفری استاندار خوزستان، محمدعلی کشاورز صدر استاندار اصفهان، مرتیب سلطوی، ابوالقاسم امینی کفیل وزارت دربار، مرتیب کیانی، سرهنگ حسینقلی اشرفی فرماندار نظامی تهران، سرهنگ نادری، بشیر فرهمند رئیس اداره تبلیغات و رادیو ناصرقلی لردلان استاندار کرمانشاهان.

۲۹ مرداد اولین هسته مقاومت در برابر حکومت کودتا در منزل آیت‌الله سیدرضا زنجانی و به دعوت او با حضور عباس راننده، رحیم عطایی و ناصر صدرالحفاظی شکل گرفت. یک روز بعد (۲۰ مرداد) مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سحابی، شاپور بختیار، حسین شاه حسینی و فتح‌الله بنی‌صدر به این جمع پیوستند و به پیشنهاد شاپور بختیار نام نهضت مقاومت ملی را برای این حرکت انتخاب کردند. نهضت مقاومت ملی در اوکین اعلامیه، (۳۱ مرداد) خواستار ادامه تعطیل عمومی در بازار شد و دومین اعلامیه این نهضت روز هفتم شهریور منتشر شد. لوگان اصلی این نهضت روزنامه راه مصدق بود که مخفیانه تا سال ۱۳۳۷ منتشر می‌شد.<sup>۱۰۷</sup>

۲۹ مرداد عشایر فارس - ایل قشقایی و بویراحمد - به سرکردگی محمد ناصر قشقایی و خسروخان قشقایی، برای مقابله با کودتاچیان آماده شدند.

۳۰ مرداد فرمانداری نظامی کودتا اعلام کرد که نزدیک به ۲۰۰ نفر از همکاران دولت ملی را بازداشت کرده است. از جمله مهندس احمد رضوی نایب رئیس مجلس ۱۱۷، دکتر محمد نصیری رئیس بانک ملی، و غالب وزیر کابینه مصدق.

۳۰ مرداد زاهدی به دیدار کاتسانی رفت در این دیدار حائری‌زاده، دکتر بقائی و قنات‌آبادی نیز حضور داشتند.

۳۱ مرداد شاه پس از یک شب توقف در بغداد وارد تهران شد.

۱ شهریور کریمت‌روزولت فرستاده سیا و طراح کودتا با محمدرضا شاه دیدار کرد. شاه در این دیدار گفت: «من تاج و تختم را از برکت خاندان ملت و لوتشم و شما دارم».<sup>۱۰۸</sup>

۳ شهریور بازرسی از سرهنگ عزت‌الله ممتاز، سرهنگ علی دفتری فرمانده محافظان منزل مصدق، سروان ایرج طوربنا و سروان مهران قشارکی افسران محافظ مصدق، شروع شد.

۴ شهریور احکام بازنشستگی افسران تصفیه شده زمان مصدق لغو شد.

۶ شهریور قضات برگزیده دولت ملی برگزار شدند و قضات تصفیه شده مجدداً به کار گماشته شدند محاکم نظامی نیز به وضع سابق بازگشتند.

۱۲ شهریور پس از لغو قرار بازداشت به دستور دادستان تهران، قاتلان و ربایندگان سرلشکر افشار طوس از زندان آزاد شدند.

۲۵ شهریور سرلشکر محمد مهنا معاون وزارت دفاع ملی، سرتیپ نصرالله مدبر رئیس شهرتانی، و حسن صدر وکیل دادگستری و مدیر روزنامه *تیم ایران* بازداشت شدند.

۲۵ شهریور یکصد و پنجاه نفر از بازداشت شدگان به قلعه فلک الافلاک در لرستان منتقل شدند از جمله خلیل ملکی رهبر نیروی سوم.

۲۶ شهریور زاهدی دستور سرکوبی بازاریان و تخریب سقف بازار را بر سر بازاریان صادر کرد. عده‌ای از جمله حاج حسن شمشیری زندانی شدند محاکم نظامی نیز به وضع سابق بازگشتند.

۷ مهر بازرسی نظامی پس چندین جلسه بازرسی که از ۲۶ شهریور شروع شد، برای دکتر مصدق قرار مجرمیت صادر کرد.

۱۱ مهر سرتیپ حسین آزموده دادستان ارتش علیه مصدق کیفر خواست صادر کرد.

۱۷ آبان آغاز محاکمه مصدق در دادگاه نظامی بدوی. دادگاه روز ۲۰ آذر به کار خود خاتمه داد و او را به سه سال زندان محکوم ساخت.

۲۱ آبان بازار تهران تعطیل کرد و عده زیادی دست به تظاهرات در حمایت از مصدق و نهضت ملی زدند.

۲۱ آبان در تبریز تظاهرات دانشداری انجام شد و بازار، دانشگاه و دبیرستانها تعطیل شدند.

۲۱ آبان تصفیه سیاسی کارکنان و کارشناسان شرکت ملی نفت شروع شد.

۲۳ آبان جهت شکستن مقاومت بازاریان در برابر حکومت کودتا، فرمانداری نظامی به تخریب سقف بازار ادامه داد و جمعی از بازاریان از جمله حاج حسن شمشیری را به جزیره خارک در خلیج فارس تبعید کرد.

۳۰ آبان دادگاه نظامی کلیه قاتلان و ربایندگان سرلشکر افشار طوس را تبرئه کرد.

۳ آذر دنیس رایت کاردار سفارت انگلیس با همکاران خود برای گشایش سفارت وارد تهران شد.

۶ آذر سرتیپ تیمور بختیار فرمانده لشکر ۲ زرهی با حفظ سمت فرماندار نظامی تهران شد.

۱۶ آذر به مناسبت برقراری روابط سیاسی بین ایران و انگلیس، دانشجویان دانشگاه تهران کلاسها را تعطیل نموده و دست به تظاهرات زدند. مأموران حکومت نظامی وارد دانشگاه فنی شدند و به روی دانشجویان آتش گشودند. در نتیجه سه دانشجو - شریعت رضوی، قندچی، یزرگتیا - به شهادت رسیدند و عده‌ای مجروح شدند. این روز، روز دانشجو نامیده شده است.

۱۸ آذر ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا وارد تهران شد. تظاهرات بسیار وسیعی علیه ورود ریچارد نیکسون برپا شد. سوک شهدای دو روز قبل دانشگاه تبدیل به اعتراض عمومی و برخورد شدید دانشجویان با پلیس و بازداشت جمع کثیری از دانشجویان گردید.

۲۴ آذر برنامه دولت مصدق جهت ایجاد شرکت اتوبوس‌رانی عمومی در تهران به نتیجه رسید و این شرکت ۴ ماه پس از کودتا کار خود را آغاز کرد.

۲۸ آذر فرمان انحلال دوره اول سنا و دوره ۱۷ قانونگذاری که با وکلای اقلیت بدون داشتن نصاب قانونی، برقرار شده بود، و دستور شروع انتخابات دو مجلس صادر شد.

۲۲ اسفند دکتر حسین فاطمی در یکی از خانه‌های کوچه فردوسی در تجریش توسط مأموران حکومت نظامی دستگیر و به فرمانداری نظامی جلب شد. هنگام انتقال از فرمانداری نظامی به شهرستانی مورد حمله چند نفر از اوباش و ارتحال دولتی به سرکردگی شعبان جعفری معروف به بی‌مخ قرار گرفت و به شدت مجروح شد.<sup>۱۱۹</sup> سلطنت خانم فاطمی، خواهر دکتر فاطمی که با شنیدن خبر دستگیری در محل حاضر شده بود، خود را حائل قرارداد و لو هم بر اثر ضربات چاقو مجروح شد.

۲۳ اسفند کریم‌پور شیرازی مدیر روزنامه انقلابی شورش و از کوشندگان نهضت ملی را که از مهر ماه در زندان بود، در زندان لشکر ۲ زرهی با دخالت عناصر درباری آتش زدند. او یک روز بعد بر اثر سوختگی شدید در بیمارستان ارتش در گذشت. معروف است که در بیمارستان گفته بود: «والا حضرت اشرف مرا کشت...»<sup>۱۲۰</sup>

۲۷ اسفند دوره دوم سنا و دوره هجدهم مجلس افتتاح شد.

۱۳۳۳

۱۹ فروردین آغاز محاکمه مصدق در دادگاه نظامی تجدید نظر. این دادگاه روز ۲۲ اردیبهشت حکم دادگاه بدوی را تأیید کرد.

۲۲ فروردین کنسرسیوم بین‌المللی مرکب از هفت کمیته اصلی کارتل بین‌المللی نفت و یک شرکت فرانسوی تشکیل شد و نمایندگان آن برای مذاکره به تهران رسیدند. دکتر علی امینی وزیر دارایی مأمور مذاکره با این هیأت شد.<sup>۱۲۱</sup>

۱ اردیبهشت جشن هزاره ابوعلی سینا که شالودهاش در دوران دولت ملی ریخته شد بود<sup>۱۲۲</sup>، تشکیل گردید.

۴ اردیبهشت در تهران تظاهراتی علیه مذاکرات نفت صورت گرفت که منجر به بازداشت دهها نفر از تظاهرکنندگان شد.

۳۰ اردیبهشت شاه با تقاضای فرجام مصدق و رسیدگی در دیوان کشور موافقت کرد.<sup>۱۲۳</sup>

۱۴ مرداد قرارداد نفت و کنسرسیوم، شامل نحوه پرداخت خسارت به شرکت سابق نفت، املاک امضاء شد و موج اعتراض فضای ایران را فراگرفته.

۱۸ مرداد ۳۳ نفر از کوشندگان نهضت ملی در نامه‌ای سرگشاده خطاب به مجلسین سنا و شورای مراتب اعتراض خود را نسبت به قرارداد کنسرسیوم معروف به امینی، بی‌یچ اعلام کردند. در میان امضاءکنندگان اسامی علامه دهخدا، آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی مؤسس نهضت مقاومت ملی، سید رضا فیروزآبادی، دکتر عینالله معظمی، اللهیار صالح، دکتر شمس‌الدین امیرعلایی، خلیل ملکی، حسن صدر، مهندس بازرگان، نصرت‌اله امینی، دکتر شاپور بختیار، محمد نخست‌ب... دیده می‌شد.<sup>۱۲۴</sup>

۷ شهریور فرماندار نظامی تهران اعلام کرد که شبکه افسران عضو سازمان نظامی حزب توده را کشف کرده و اعضای آن بازداشت شدند.

۲۷ شهریور قرارداد نفت ایران و کنسرسیوم امضاء شد.

۱ مهر یک اتوبوس حامل ۵۰ نفر در مقابل منزل عبدالملی لطفی وزیر دادگستری دولت مصدق توقف کرد. سرنشینان پس از ورود به منزل، او را به ضرب چوب و چماق بیهوش ساختند. وی بینایی یک چشم را از دست داد دولت کودتا برای تعقیب مسببین هیچ اقدامی نکرد.

۷ مهر محاکمه دکتر حسین فاطمی، دکتر علی شایگان، مهندس احمد رضوی در دادگاه بدوی نظامی آغاز شد و روز ۱۸ مهر دکتر فاطمی به اعدام و مهندس رضوی و دکتر شایگان به حبس ابد محکوم شدند.

۲۷ مهر سرهنگ سیامک، سرهنگ میشری، سرهنگ نعیبی، سرگرد عطارده، سرگرد وزیربان، سروان مدنی، سرگرد واعظ قاسمی، سروان شفا، ستوان افرانته، و مرتضی کیوان اعضای سازمان نظامی حزب توده به حکم دادگاه تجدید نظر نظامی اعدام شدند.

۲۹ مهر مجلس هجدهم قرارداد کنسرسیوم نفت را با ۱۱۲ رأی موافق و ۵ مخالف و یک ممتنع تصویب کرد.

۲۹ مهر هنگام طرح قرارداد کنسرسیوم در مجلس محمد درخشش در مخالفت به طور مستدل و مستند سه روز صحبت کرد.

۶ آبان — هنگام طرح لایحه قرارداد کنسرسیوم در سنا ابوالفضل لسانی و رضا علی دیوان بیگی به تفصیل و مستند در مخالفت با قرارداد سخن گفتند. مهندس شریف امامی و مهدی فرخ نیز در مخالفت صحبت کردند.

۶ آبان قرارداد کنسرسیوم نفت در مجلس سنا تصویب شد.

۶ آبان دادگاه تجدید نظر نظامی، حکم اعدام دکتر فاطمی را تأیید کرد و مهندس رضوی و دکتر شایگان را به ده سال زندان محکوم ساخت.

۷ آبان شاه قانون مربوط به تصویب قرارداد کنسرسیوم را توشیح کرد.

۸ آبان اولین نفتکش کنسرسیوم در آبلان بارگیری کرد.

۸ آبان شش نفر از افسران سازمان افسری حزب توده در میدان تیر لشکر ۲ زرهی اعدام شدند.

۱۵ آبان تقاضای فرجام دکتر شایگان، مهندس رضوی، دکتر فاطمی را شاه قبول نکرد.

۱۷ آبان پنج نفر از افسران سازمان افسری حزب توده اعدام شدند - سرهنگ جلالی، سرهنگ افشار یکتا، سرهنگ کاظم جمشیدی، سرگرد وکیلی و ستوان باقرواله.

۱۸ آبان طرح الفای لوائح قانونی دکتر مصدق در مجلس ۱۸ تصویب شد.

۱۹ آبان دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه کابینه مصدق در میدان تیر لشکر ۲ زرهی اعدام شد.

۱ آذر تصفیه سیاسی قضات در دادگستری، به دستور دولت حکم انتظار خدمت ۶۰ نفر از قضات دادگستری به بهانه سولمخلاق یا بستگی به احزاب ممنوعه صادر شد.

۶ آذر وضع عمومی فارس ناآرام شد در فیروزآباد (مرکز منطقه قشقای) تظاهراتی از سوی مردم علیه دولت و شاه صورت گرفت. چند واحد نظامی به فارس اعزام شد.

۲۴ آذر فیروزآباد از طرف قوای دولتی محاصره شد.

۱۷ دی با تصویب قانونی در مجلس هجدهم استقلال دانشگاه محدود و قرار شد رئیس دانشگاه به پیشنهاد وزیر فرهنگ و فرمان شاه انتخاب شود. دکتر اقبال به ریاست دانشگاه منصوب شد.

۶ بهمن پروژه تأسیس بانک ساختمانی و توسعه مسکن دولت مصدق، یا اتمام ساختمان هزار دستگاه خانه در نارمک، به بار نشست.

۱۳۳۴

۱۶ فروردین بر اثر توافق شاه و کاخ سعید (ممالک متحده آمریکا) سیهد زاهدی از کار برکنار شد.

۱۷ فروردین فرمان نخست‌وزیری حسین علاء صادر شد.

۳ اردیبهشت تجاوز به حقوق اقلیت بهائی در ایران با شروع ماه رمضان از منبر فلسفی واعظ آغاز شد. سخنان فلسفی به طور زنده از رادیو پخش می‌شد.

۱۶ اردیبهشت فلسفی واعظ و سرلشکر نادر با تمانقلیج و سرتیپ تیمور بختیار با نشن کامیون نظامی حضايرالقدس بهائیان را اشغال و گنبد آن را خراب کردند و ملک در تصرف ارتش قرار گرفت و تبدیل به مقر فرمانداری نظامی تهران و سپس سلواک شد.

۴ خرداد در قشعای مقاومت علیه حکومت شروع شد و دولت در فیروزآباد حکومت نظامی برقرار کرد.

۱۰ خرداد دولت شوروی یازده تن حلالی متعلق به ایران را تحویل داد.

۲۵ آبان مظفرعلی ذوالقدر عضو فدائیان اسلام در مسجد شاه به سوی حسین علاء شلیک کرد ولی گلوله از میانچه خارج نشد و همان جا او را دستگیر کردند.

۱ آذر نواب صفوی و سه تن از اعضای فدائیان اسلام دستگیر شدند و سپس خلیل طهماسبی و برخی دیگر از اعضای این گروه (۶ نفر) بازداشت شدند. گفته می‌شد عبدالحسین واحدی معاون فدائیان اسلام در مواجهه با سرتیپ تیمور بختیار فرماندار نظامی تهران بر اثر شلیک گلوله از سوی بختیار به قتل رسید (۱۲/۱۲).

۲۷ دی نواب صفوی، خلیل طهماسبی، مظفر ذوالقدر و سید محمد واحدی اعضای فدائیان اسلام به حکم دادگاه نظامی اعدام شدند.

۱۲ اسفند شعبه نهم دیوانعالی کشور در برابر لرعاب و تهدید مقامهای کودتا حکم دادگاه تجدید نظر نظامی را درباره مصدق بدون استدلال ابرام کرده به این شرح «با ملاحظه جمیع جهات و نظر به اوضاع و احوال خصوصی مورد اعتراضات فرجامی موثر به نظر نرسید و حکم صادره ابرام می‌شود». در نتیجه محکومیت دکتر مصدق به سه سال حبس مجرد قطعی گردید.

— باقر کاظمی، اللهیار صالح، دکتر عبدالله معظمی شمس‌الدین امیر علانی و محمود نریمان، از اعضای جبهه ملی و یاران دکتر مصدق بازداشت و به جنوب تبعید شدند.

۱۳۳۵

۱۳ مرداد مصدق پس از گذراندن سه سال زندان مجرد در سلطنت آباد و در لشکر ۲ زرهی، پناهنده دستور شاه، ملزم به اقامت اجباری در لاهور شد و تا آخرین ماههای زندگی در آن جا تحت نظر ماند. در این مدت مصدق کوشش خود را برای زنده نگاهداشتن فعالیتهای جبهه ملی ادامه داد.

۱۰ بهمن قانون تشکیل سازمان امنیت و اطلاعات کشور به تصویب مجلس منا رسید رضاعلی دیوان بیگی و ابراهیم خواجه نوری در مخالفت، مزار این سازمان را تشریح کردند همین قانون چند روز بعد

۲۳) بهمین در مجلس، بدون بحث و مخالفت تصویب و بالاخره سازمان امنیت به ریاست تیمور بختیار تشکیل شد.

۱۳۳۷

۲۱) اردیبهشت خسرو روزه که سال قبل (۱۵ تیر) دستگیر شده بود به حکم دادگاه نظامی اعدام شد. ۵ اسفند در جمع نمایندگان مجلسین، شاه به مصدق حمله کرد و گفت ما هنوز مشغول ترمیم خرابیهای او هستیم.

۱۳۳۹

۲۳ تیر به دعوت دکتر غلامحسین صدیقی و در منزل او واقع در سرچشمه مؤسسان جبهه ملی دوم اجتماع کردند و جهت پیشبرد اهداف نهضت ملی به توافق رسیدند.

۳۰ تیر جبهه ملی دوم در بحبوحه جنجال انتخابات «تابستانی» دوره بیستم، اعلام موجودیت کرد.<sup>۱۱۵</sup> ۵ شهریور رقابت بین دو حزب دولتی «ملیون - اکثریت» و «مردم - اقلیت» (پدیدهای جدید در حکومت کودتا) و اعتراض حزب «اقلیت» و گروههای منفردین درون سیستم به رهبری علی‌امینی و محمد فرخش به روال انتخابات و انعکاس مطبوعاتی این اعتراضها به جایی رسید که به دستور شاه دکتر اقبال نخست‌وزیر از کار کناره گرفت و جعفر شریف امامی به جای او منصوب شد. شاه در یک کنفرانس مطبوعاتی انتخابات را مردود دانست، سپس دستور داد انتخابات در حوزهای که انتخابات ناتمام بود، رأی‌گیری و قرائت آرا متوقف شود (۸ شهریور) و کسانی که تا آن هنگام انتخاب شده بودند استعفا دهند (۹ شهریور) تجدید انتخابات به زمستان موکول شد.

۱۰ بهمن با شروع مجدد انتخابات دوره بیستم، ۱۴ نفر از رهبران جبهه ملی دوم برای اعتراض به سلب آزادیها و دخالت شدید وزارت کشور در انتخابات در مجلس سنا متحصن شدند و در همان جا با دخالت مقامات نظامی تحت نظر قرار گرفتند و به صورتی زندانی شدند در حمایت از متحصنین دانشجویان دانشگاه تهران کلاسها را تعطیل و مبادرت به تظاهرات و تحصن در دانشگاه کردند (۱۲ بهمن) و بازر تهران نیز بسته شد تعطیل بازار و تظاهرات دانشجویان چند روز ادامه داشت. علی‌رغم سلب آزادیها و سنسور و اختناق علیه نیروهای مستقل و ملی (مصدق) و دخالت مستقیم شاه در انتخابات بر اثر مقاومت تحسین برلنگیز چندین ماهه مردم کاشان و کوشش گروهی از دانشجویان که برای نظارت در انتخابات و تضمین آرای مردم به کمک مردم کاشان شتافته بودند الهیار صالح عضو هیأت اجرائی جبهه دوم با ۲۵ هزار رأی از ۲۵-۸۳ رأی مأخوذه به نمایندگی مردم کاشان در مجلس بیستم انتخاب شد. سه روز پس از اعلام نتایج انتخابات از رهبران متحصن جبهه ملی نیز رفع تعرض به عمل آمد.<sup>۱۱۶</sup>

۲ اسفند مجلس بیستم با حضور یک نماینده از جبهه ملی افتتاح شد.

۴ اسفند دانشجویان در دانشگاه تهران برای اعتراض به سلب آزادیها و نتایج انتخابات زمستانی دست به اعتصاب و تظاهرات زدند و اتومبیل دکتر اقبال در محوطه دانشگاه به آتش کشیده شد.<sup>۱۱۷</sup>

۶ اسفند بنا بر تصمیم شورای دانشگاه دانشگاه تهران برای مدتی تعطیل شد.

۱۳۴۰

۱۵ فروردین بازگشایی دانشگاه تهران.

۱۰ فروردین درگذشت آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی مرجع تقلید عام در قم.

۳۱ فروردین آلهیار صالح نماینده کاشان ضمن مخالفت با اعتبارنامه «وکیل اول تهران» به عنوان سمبل و نماد انتخابات مخدوش، گفت صلاح آقایان این خواهد بود که این مجلس منحل شود.

۱۲ اردیبهشت اعتصاب دبیران و آموزگاران کشور و اجتماع عظیم فرهنگیان تهران در برابر مجلس در میدان بهارستان و تقاضای ترمیم حقوق معلمان، دانشجویان وابسته به جبهه ملی و دانش‌آموزان نیز به این اجتماع پیوستند. پلیس تهران برای متفرق ساختن فرهنگیان به روی آنها آتش گشود و یکی از فرهنگیان - دکتر عبدالحمین خانلی - به ضرب گلوله سرهنگ شهرداری رئیس کلانتری بهارستان به قتل رسید و سه نفر مجروح شدند. روز بعد جمعیت عظیمی برای شرکت در تشییع جنازه دکتر خانلی اجتماع کرد از وکلای مجلس نیز در تشییع جنازه شرکت کردند.

فرهنگیان از مجلس، خولمان مجازات قاتل شدند (۱۳ اردیبهشت). شریف امامی استیضاح شد و در همان روز استعفا کرد (۱۴ اردیبهشت).

۱۶ اردیبهشت دکتر علی‌امینی مأمور تشکیل دولت شد و شاه به تقاضای او فرمان انحلال مجلسین را صادر نمود (۱۹ اردیبهشت). و در همان روز دکتر امینی تشکیل اجتماعات را در میدان جلالیه مجاز اعلام کرد و سانور مطبوعات نیز موقتاً ترک برداشت.

۲۱ اردیبهشت مهندس مهدی بازرگان طی نامه‌ای خطاب به مصدق، تأسیس جمعیت نهضت آزادی ایران را به اطلاع رسانید در چند و چون تشکیلات جبهه ملی و تحمیل بحث لایتهای و انحرافی ضرورت انحلال احزاب درون جبهه و تشکیل یک حزب بزرگ، به جبهه ملی دوماً برخی از اداره‌کنندگان نهضت مقاومت ملی از جمله عباس رادنی و رحیم عطائی این جمعیت را به رهبری مهندس بازرگان، آیت‌الله سید محمود خالقی و دکتریدالله سبحانی، تشکیل دادند.

دکتر مصدق در پاسخ به بازرگان، ضمن تبریک نوشتن: «تردید ندارم که این جمعیت [نهضت آزادی] تحت رهبری جنابعالی موفق به خدمات بزرگی نسبت به مملکت خواهد شد...»

۲۸ اردیبهشت به دعوت جبهه ملی بیش از یکصد هزار نفر در میدان جلالیه اجتماع کردند و خواستار انجمن فوری انتخابات و پایان قنوت شدند در این میتینگ برای نخستین بار پس از کودتا، نام مصدق برده شد و منجر به انفجار احساسات عمومی گردید.

۳۰ تیر علی‌رغم مخالفت دولت، جبهه ملی از مردم خواست برای بزرگداشت خاطره قیام ملی می‌ام تیر ۱۳۳۲ در آرامگاه شهدا (ابن بابویه) در شهر ری اجتماع کنند.

۳۰ تیر نامه مصدق به حسن صدر به مناسبت انتشار سلسل کتاب «الجزایر و مردفن مجاهد» در هفت‌نامه خواننده، مصدق ضمن اظهار تأسف از این که «اوضاع مملکت اجازه نمی‌دهد این قلم شیوا در نفع مملکت به کار رود» افزود «این هم بد نیست و خواسته‌اید برسانید ملتیی هم هست که در راه آزادی و استقلال از همه چیز می‌گذرد... باری حرفه زیاد است و مستمع به تمام معنی فداکار کم...»<sup>۱۳۳</sup>



۱ مرداد رهبران جبهه ملی و عده‌ای از اعضاء و طرفداران این جبهه بازداشت و زندانی شدند قبلاً نیز جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان به علت یخنی تراکت دعوت به اجتماع ۳۰ تیر بارداشت شده بودند و در زندان قرل قلمه به سر می‌بردند.

۱۸ ابان دکتر مصدق در پاسخ به پیام نخستین کنگره جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی ایران در باره قطعنامه این کنگره و عملکرد نمایان آن نوشت: «الحق که در راه آزادی این ملت رنج دیده امساک نشده و آنچه یک جمعیت ایرانی‌نوست آزادی طلب باید عمل کند در قطعنامه... تصویب شده نظر به این که در این ده زندانی هستیم و نمی‌توانم حتی از قلمه یا به خارج گذارم، پیش از این نباید چیزی عرض کنم و فقط موفقیت آن آزاد مردان و وضیرست را از خداوند خواهانم.»<sup>۱۱</sup>

۱۶ آذر مراسم بزرگداشت شهدای دانشگاه (۱۶ آذر ۱۳۳۲) با شکوه تمام با حضور هزاران دانشجو در دانشگاه تهران به دعوت سازمان دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی ایران برگزار شد.

۱ بهمن به دنبال تظاهرات دانش‌آموزان و اخراج عده‌ای از آنان از دبیرستان‌ها دانشجویان در دانشگاه تهران برای اعتراض دست به تظاهرات زدند که با حمله و حشایه نیروهای ویژه جنریتز به دانشگاه مواجه شد. چنربازان دانشجویان را مضروب و جمعی را شدیداً مجروح کردند و به تأسیسات دانشگاه از جمله لابراتورها و کتابخانه‌ها خسارات عمده وارد نمودند. این تهاجم یخنی از توطئه‌ای بود که برای ساقط کردن دولت امینی صورت گرفت. به دنبال این قضیه جمعی از عناصر مرتجع دست راستی از جمله اسدالله رشیدیان و فتح‌الله فرود شهریار سابق تهران بازداشت شدند. به علاوه جمعی از دانشجویان برخی از سران جبهه ملی را نیز بازداشت کردند که از اکثر آنان ظرف چند روز رفع تعرض صورت گرفت.

۱ بهمن دکتر احمد فرهاد رئیس دانشگاه اعلام کرد «امروز یکشنبه اول بهمن ماه ساعت یازده و ربع عده‌ای نظامی بدون آن که اتفاقی مداخله آنان را ایجاد نماید به محوطه دانشگاه وارد شده و جمعی از دانشجویان را مضروب و مجروح نموده‌اند دانشگاه به این عمل رسماً اعتراض و تقاضای رسیدگی و تعقیب مرتکبین و مجازات آنان را از دولت نموده است و مادام که نتیجه رسیدگی به دانشگاه اعلام نشود این جانب و رؤسای دانشکده‌ها از ادامه خدمت در دانشگاه منذور خواهیم بود.

۱ بهمن علی امینی، تیمور بختیار را یکی از مسببین وقایع دانشگاه دانست و گفت لیست کابینه او در اختیار من است. هیأتی از طرف دولت در دادگستری مأمور تحقیق در باره وقایع دانشگاه شد. از رهبران جبهه ملی به استثنای دکتر کریم سنجابی و دکتر شایور بختیار رفع بازداشت شد و دولت در اصلاحیه‌ای دو نفر از اعضای شورای جبهه ملی دوم را که مخفی شده بودند - دکتر محمد علی خنجی و دکتر مسعود حجاری - رسماً احضار کرد که قبلاً از پایان سال توسط شهرستانی بازداشت شدند، همین از جمله اسدالله رشیدیان، فتح‌الله فرود، صادق بهداد مدیر روزنامه یومیه جهان و یکی از ایادی رشیدیان به نام اتزلیچی - و چند نفر از دانشجویان نیز تا پایان کار دولت امینی در زندان موقت شهرستانی در بازداشت باقی ماندند. گزارش هیأت تحقیق هیچ‌گاه منتشر نشد.

۵ بهمن سپهبد تیمور بختیار رئیس سابق ساواک، از ایران خارج شد.

۲۲ اسفند آب‌تاله کاشانی در شرایطی که از همه جا مانده و رانده شده بود، در سن ۸۰ سالگی درگذشت.



آقایان دستمال عزیزان در برین آستان شمالی حضور دارند  
امروزه مورد رسمت حکم را از صادره میباشند و در  
اصولاً در روز پنجشنبه ۱۳۳۶ در کهریز مراد

۱۳۴۱

۱۴ فروردین در پاسخ به پیام کنفرانس بین دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، مصدق نوشتند: «... راست و بی‌پرده عرض می‌کنم که چشم مردم خیرخواه وطن پرست به شما نسل جدید توخته شده و آخرین تبری که در ترکش ایرانی است همان شما مجسمین محترم و نسل جدید هستید که از آن چه دیدماید درس، و از آن چه خوانده‌اید نتیجه بگیرید و بمورد عمل در آورید از هر نام‌لایم و سختی پاک نکنید که گفتارند نابره رنج گنج میسر نمی‌شود.»

۱۵ فروردین دانشگاه تهران پس از ترمیم خرابیها و ۷۲ روز تعطیل، گشایش یافت.

۲ اردیبهشت سیل عظیمی پس از بلرندگی طولانی در جنوب تهران خسارات مالی و جانی فراوان بوجود آورد سازمان دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی ایران برای ترمیم خرابیهای جولایه، یکی از محله‌های پر جمعیت تهران، بسیج کرد صدها دانشجو به لایروبی نهر و سیل گیر محل پرداختند؛ پل آهنی بزرگ نهر را که سیل نابود کرده بود مجدداً ساختند که طی مراسم با شکوهی افتتاح شد؛ در جولایه دانشجویان پزشکی نیز مبادرت به افتتاح یک درمانگاه موقت برای درمان مجروحان و سایر بیمارین نمودند.

۲۷ تیر دکتر علی امینی استعفا کرد و امیراسنله علم فرمان نخست‌وزیری گرفت (۲۸ تیر).

۲۱ مهر سرگرد شهرستانی رئیس کلانتری بهارستان که متهم به قتل دکتر خاتمی بود (۱۲ اردیبهشت ۳۰) در دادگاه نظامی به دو سال زندان محکوم شد.

— مرداد کنورگ فن هویت خبرنگار روزنامه آلمانی سوئویچه زاپونگ اجازه یافت با دکتر مصدق در احمدآباد دیدار کند حاصل این دیدار سه مقاله بود که از ۱۸ تا ۲۵ اوت ۱۹۶۲ در آن روزنامه منتشر شد. فن هویت اولین و آخرین تماس مستقیم مطبوعاتی با مصدق در احمدآباد بود ساواک بعداً ترجمه مقاله را با دستکاریهایی به انگیزه خلط مبحث به صورت پلی‌کیی در تهران «مخفیانه» با پست شهری توزیع می‌کرد.

۴ دی اولین کنگره جبهه ملی ایران در خانه حاج حسن قاسمی عضو شورای جبهه ملی واقع در تهران پارس به ریاست اللهیار صالح با پیام دکتر مصدق که با صدای خودش در تهرداگاه (احمدآباد) ضبط شده بود افتتاح شد. دکتر مصدق در این پیام پس از درود به «روان پاک دکتر سید حسین قاضی و سایر شهیدای راه آزادی...» و به اعضای کنگره و «به آن کسانی که در راه نیک و سختی و سلامت ایران از هر پیش آمدی هراس نکرده و با کمال شهامت و طیفه ملی خود را انجام دادند»، گفت:

«جبهه ملی هیچ وقت نظری جز اعتلاء و عظمت ایران نداشته و همیشه خولهان این بوده که هموطنان در سرنوشت خود دخیل شوند و این نام عقبماندگی که در نتیجه بی‌کفایتی زمامداران گذشته نصیب کشور ما شده از بین برود و این آرزو به نتیجه نمی‌رسد جز این که افرادی شایسته و جوانان هنوز به همه چیز نرسیده در مقدرات مملکت شرکت کنند» و اضافه کرد که باید «دروهایی جبهه ملی به روی کلیه افراد و دستجات و احزابی که مایل به مبارزه و از خودگذشتگی در راه ولژگون ساختن دستگاه استعمار هستند مفتوح گردد و متبهای کوتش به عمل آید تا کسانی که خواهان آزادی و استقلال ایرانند به جمع مبارزان بگروند دیگر بسته به نظر آقایان محترم است که در اسانمانه جبهه ملی مخصوصاً آن قسمت که مخصوص به شورای جبهه ملی است تجدید نظر کنند و جبهه را به صورتی در آورند که مؤثر شود.»

به این ترتیب نخستین اظهار نظر مصدق راجع به تشکیلات جبهه در نخستین بیان عمومی او پس از محاکمه در زندان لشکر ۲ زرهی، انتقادی مهم در خود نهفته داشت.<sup>۱۲۰</sup>

۳- در پایان کار کنگره - نسه دوم دیماه - اکثریت نمایندگان دانشجویان در کنگره که جزو اقلیت کنگره بودند گزارش مفصلی از کار کنگره برای دکتر مصدق فرستادند و از جمله شکایت کردند که در اساسنامه جدید نیز مانند گذشته سازمان دانشجویان از داشتن نماینده در شورای مرکزی جبهه ملی دوم محروم است.

۴ بهمن به مناسبت رفتارندم و مراجعه به آراء عمومی که قرار بود روز شش بهمن در مورد لوایح «ششگانه اصلاحات» شاه صورت گیرد جبهه ملی در اعلامیه‌ای با شعار «اصلاحات آری - دیکتاتوری نه» ضمن بحث در نبودن آزادی و دموکراسی در کشور و دخالت شاه در امور، از مردم خواست که قبل از رفتارندم در اجتماعی برای شنیدن نظرات این جبهه شرکت کنند.

۴ بهمن سران جبهه ملی و اعضای شورای این جبهه به استثنای مسعودی که در مسافرت بودند و اکثریت سران نهضت آزادی، همچنین جمع کثیری از اعضای سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران و نیز فعالان جبهه ملی بازداشت شدند و جمعی دیگر نیز که در معرض بازداشت بودند مخفی شدند.

۱۳۴۲

۱۹ فروردین نامه دکتر مصدق در پاسخ به شکایت دانشجویان در پایان کنگره با روزهای سر حادثه بهمن ۲۱ و زندانی شدن اعضای جبهه مصداق شد. در فروردین ماه سال جدید که هنوز رهبران جبهه در زندان بودند، مصدق از احمدآباد به دانشجویان نامه‌ای نوشت که با همه اختصار نظر او را درباره کار کنگره میرساند و افزود:

«نظر به این که با اوضاع احوال کنونی که رهبران جبهه ملی و رجال وطن پرست و عده بیشماری از شما دانشجویان عزیز در زندان و حبس بسر می‌برند، در چنین احوال مطالعه در کار کنگره بی‌مورد است و ممکن است به جهتی از جهات پیرونده نزد این جانب از بین برود اینست که آن را اعاده می‌دهم نزد خود آقایان مضبوط بماند.»<sup>۱۲۱</sup>

۱۵ خرداد شورش ۱۵ خرداد در تهران پس از بازداشت آیت‌الله حاج‌آقا روح‌الله خمینی در قم که منجر به اعلام حکومت نظامی و تیراندازی به سوی مردم و کشته شدن بیش از یک صد نفر در تهران و حوالی و تعطیل دکاکین و بازار گردید.

۱۹ خرداد پاسخ به پیام دومین کنگره کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی منعقد در لوزان (سوئیس) مصدق در این پاسخ نوشت که

«... چنانچه عرض کنم مندرجات مؤثر این پیام حلی برایم نگذاشت و آن را دگرگون ساخته چیزی برخلاف واقع عرض نشده و تأثیر کلام در شونده نال بر صحت قول گوینده است از این حقیر که در روزهای آخر عمر بسر می‌برم و آزادیم به حدیست که میتوانم جواب نامه‌ی آن فرزندان عزیز را با کمال احتیاط بنویسم، کاری ساخته نیست جز اینکه توفیق شما را در راهی که قدم برداشته‌اید بخواهم و از خدا مسألت نمایم که بتوانید گامهای بلند بردارید و ایران وطن عزیز را به آزادی و استقلال برسانید.»<sup>۱۲۲</sup>

۴ شهرپور دکترو مصدق به نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران که نظر او را درباره انتخابات دوره بیست و یکم استفسار کرده بودند نوشت:

«در انتخابات آزاد وظیفه هر فردی از افراد این است که شرکت کنند بلکه بتوانند گامی در راه آزادی و استقلال وطن بردارند. تشخیص انتخابات آزاد با مقررات و تشکیلاتی که درست شده قبل از خاتمه انتخابات کاری است پس مشکل و حیاتی لازم است تشکیل شود که با ملاحظه احوال و اطرافه آن را پیشگویی کند و تکلیف افراد علاقمند را در شرکت یا عدم شرکت معلوم بدارد.»<sup>۱۳۳</sup>

۱۵ شهریور میتینگ سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران در میدان بهارستان، در برابر کسب تکلیف سازمان دانشجویان و کمیته انتشارات و تبلیغات جبهه درباره انتخابات، رهبران جبهه ملی که هنوز در زندان بودند پاسخ دادند تصمیم با کسانی است که خارج از زندان هستند لذا با توجه به رهنمود دکتر مصدق و به قصد آزمایش تبلیغات دولت که اجتماعات انتخاباتی را به ظاهر با وجود حکومت نظامی در میدان بهارستان آزاد اعلام کرده بود، هیأتی با شرکت سازمان دانشجویان تشکیل شد و براساس نظر این هیأت، سازمان دانشجویان تصمیم به برقراری میتینگ در روز ۱۵ شهریور گرفت و از ده روز قبل، تصمیم خود را رسماً در سه نامه متوالی به شهرداری اطلاع داد و چون جواب منفی نرسید، میادرت به دعوت کرد. در جریان پخش تراکت برای دعوت به میتینگ در خیابانهای تهران (۱۲ الی ۱۴ شهریور) لاقلاً ۸۰ نفر از دانشجویان بازداشت شدند روز ۱۴ شهریور رهبران و اعضای شورای جبهه جز چند نفر از زندان آزاد شدند اللهمار صالح به عنوان رئیس هیأت اجرائی، بر اثر توصیه کتبی دکترسنجلی عضو دیگر هیأت اجرائی و خوف او از این اجتماع، دستور داد «چون فرمانداری نظامی با میتینگ فردای دانشجویان موافقت نکرد و روش قطعی جبهه ملی پیروی از قانون می‌باشد» منصرف شوید و مراتب را «به اطلاع عموم برسانید» نیروی نظامی کلیه خیابانهای منتهی به بهارستان را مسدود کرد و با نیروی فرلوان با جمعیتی که بی اطلاع از فسخ تصمیم، برای شرکت در میتینگ به طرف بهارستان در حرکت بود، به مقابله پرداخت.<sup>۱۳۴</sup>

۳۰ مهر محاکمه مؤسسين و اعضای جمعیت نهضت آزادی ایران به اتهام اقدام علیه امنیت کشور در دادگاه نظامی در پادگان عشرت‌آباد آغاز شد.

آبان سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران تصمیم گرفت مستقل از نظارت هیأت اجرائی جبهه فعالیت کند و چون در شورای جبهه نمایندهای نداشت رابطانش را با جبهه ملی از طریق حزب ملت ایران انامه دهد دوره جدید نشریه یوم دانشجوی پس از چند ماه تعطیل، ماهانه و مخفیانه با چاپ پلی‌کپی، شروع به انتشار کرد و تا مرداد ۱۳۴۴ مرتبه منتشر شد.

۶ آبان در شورای جبهه ملی هنگام انتخاب هیأت اجرائی جدید اللهمار صالح با اختیار کامل در اداره امور سیاسی و تشکیلاتی جبهه به ریاست هیأت اجرائی انتخاب شد تا اعضای هیأت اجرائی را نیز خود پیشنهاد و معرفی کند. در جلسات بعد، با توجه به این اختیارات، پس از تحلیل وضع موجود اللهمار صالح نتیجه گرفت که جبهه ملی با توجه به اصلاحات شاه و گسترش اختناق، در حال حاضر نباید سیاست «صبر و انتظار» پیشه کند و این دوره را با منت و سکوت بگذراند و «از کارهایی که موجب عکس العمل خواهد شد خودداری شود»<sup>۱۳۵</sup>

۲۳ آبان دولت علم لایحه‌ای به مجلس سنا فرستاد که به موجب آن به نظامیان امریکایی در ایران مصونیت قضائی داده شود.

۱۶ دی دادگاه نظامی حکم محکومیت برای سران و اعضای نهضت آزادی صادر کرد از جمله، آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان هر یک به ده سال حبس، دکتر یناله سعایی به شش سال زندان محکوم شدند.

اسفند یکم دانشجو در شماره اسفند ماه نوشت: «صبر و انتظار سیاست نیست بلکه عنوانی است برای ترس آمیخته با حجب و حیا و در عین حال جنت مکانی و این روش در شأن جبهه نیست» و در مقابل این روش باید «استقامت و کوشش» را پیشنهاد کرد.

۱۴ اسفند نامه و گزارش سازمانهای اروپایی جبهه ملی به مصدق. در این نامه ضمناً به اطلاع او رساندند که رأی به انحلال احزاب و تشکیل جبهه بدون حزب داده‌اند.

۱۷ اسفند امیراسدالله علم استعفا کرد و حسنعلی منصور نخست وزیر شد.

۱۳۴۳

۱ فروردین سازمان دانشجویان عکسی از دکتر مصدق دریافت کرد که مصدق آن را به کسانی که «پابندی و استقامت» پیشه کرده‌اند، هدیه نمود.

۲ فروردین مصدق در نامه‌ای نوشت:

«دیگانه راهی که برای پیشرفت مقاصد ملی به نظر رسید، همانا دخالت کلیه احزاب و دستجات سیاسی در جبهه ملی بود که بنا به تقاضای رهبران جبهه نظریات خود را نوشتم که در کنگره قرائت شد و ترتیب اثری بنان ندادند.»<sup>۱۲۶</sup>

۳ فروردین مصدق در پاسخ به نامه ۱۴ اسفند ۴۲ از سازمانهای اروپایی جبهه ملی، نامه‌ای نوشت که مبدأ و مبنای کوششهای بعدی برای تشکیل جبهه ملی سوم شد. پس از این نامه تسکایت دانشجویان (دی ماه ۴۶) از نحوه کار کنگره و اساسنامه آن در دستور کار مصدق قرار گرفت. مصدق نوشت که انحلال احزاب کار خوبی نبوده است و متذکر شد که

«این جانب هیچ وقت نمی‌خواستم در این زندان که از همه جا بی‌خبرم در امور جبهه دخالت کنم. از این جانب خواستند بیایم [به کنگره] فرستادم ولی به آن ترقیب اثر ندادند و جبهه را به صورتی درآوردند که قادر به هیچ عملی نیست و این انشعابی که به وقوع پیوست و سبب گردید عده‌ای تحت تعقیب قرار گرفتند [مقصود جمعیت نهضت آزادی است] نتیجه عملیات جبهه است. چنانچه نسبت به احزاب به یک طریق عمل می‌کردند و از هر حزبی یک نماینده می‌پذیرفتند، حزب مزبور هم نماینده می‌فرستاد و این اختلافات روی نمی‌داد»<sup>۱۲۷</sup>

۱۹ فروردین نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی به مصدق و مشورت در مورد «راه و روشی که درباره تشکیلات و نحوه مبارزه»، نشریه یکم دانشجو باید تبلیغ کند.<sup>۱۲۸</sup>

۲۶ فروردین قیام بهمن قشقای در فارس.

۲۸ فروردین پاسخ به نامه سازمان دانشجویان (۱۹ فروردین) متضمن تعریف جبهه ملی و پیشنهادهایی برای ایجاد جبهه مطلوبه مصدق خصوصاً متذکر شد که

«شما دانشجویان عزیز جزئی از اجزای این مملکتید و نمی‌توانید به تنهایی کار مفیدی انجام دهید مگر این که با سایر تشکیلات مملکتی همکاری کنید و این کار با اساسنامه‌یی که برای جبهه ملی تنظیم شده به هیچ وجه صورت نخواهد گرفت. اساسنامه باید طوری تنظیم شود که هر حزب و جمعیت وابسته‌یی که صاحب تشکیلاتند بتوانند با انتخاب یک یا چند نماینده وارد جبهه شوند در تصمیمات جبهه ملی شرکت کنند و نمایندگان مزبور نظریات جبهه را به اطلاع موکلین خود برسانند و انجام آن را بخواهند» و با توجه به رویه جبهه و اساسنامه آن افزود که «هر حزب و اجتماع برای خود مراسمی دارد و هیچ وقت حاضر نمی‌شود از مراسم خود دست بکشد و تشکیلات خود را منحل نماید صلاح جبهه هم در این است که کاری به مراسم دیگران نداشته باشد و فقط اجرای مراسم خود [مراسم مشترک آزادی و استقلال] را تأمین نماید»<sup>۱۳۰</sup>

۲ اردیبهشت اولین عکس‌العمل هیأت اجرائی و شورای جبهه ملی دوم در برابر نظرات دکتر مصدق براساس نامه سوم فروردین خطاب به هیأت اجرایی سازمانهای اروپایی جبهه ملی ایران، متضمن گزارشی راجع به کنگره و ساختار جبهه ملی دوم و این که «در صورتی که با توضیحات مرقوم در فوق» آن جناب، بر نظریات موجود در آن نامه همچنان باقی بمانید ممکن است این امر به متلاشی شدن تشکیلات جبهه ملی منجر گردد»<sup>۱۳۱</sup>

۴ اردیبهشت پیشنهاد شفاهی دکتر مصدق به آلفیاری صالح رئیس هیأت اجرائی جبهه دوم برانجام برخی تغییرات مطلوب در اساسنامه به وسیله نصرت‌الله امینی حامل نامه ۲ اردیبهشت جبهه.<sup>۱۳۲</sup>

۱۰ اردیبهشت پاسخ مفصل به نامه (۲ اردیبهشت) هیأت اجرائی و شورای جبهه ملی دوم با عنایت به اساسنامه جبهه ملی و نتایج اجرائی آن، مصدق در این نامه متذکر شد:

«... و مقصود این جانب از آن پیام [پیام به کنگره] این بود که جبهه تشکیل شود از احزاب و اجتماعات و دستجاتی که حاضر بودند در راه آزادی همه چیز خود را فدا کنند که در این گروه دانشجویان فوق آنها بودند چون که تحصیل کرده و در سیاست آلوده نشده بودند. با این حال دانشجویان یا آن همه فداکاری مورد توجه جبهه واقع نشدند و چه تحقیقی از آن بالاتر که نگذاشتید نماینده خود را در جبهه خودشان انتخاب کنند و جبهه ملی ولایتاً از طرف آنها دو نفر دانشجو انتخاب کرد...» و در خاتمه تأکید کرد که «برای پیشرفت امور هیچ راهی برای الحاق مخالفین بهتر از تجدید اساسنامه نیست»<sup>۱۳۳</sup>.

۱۲ اردیبهشت نامه شورای جبهه ملی دوم در پاسخ به نامه مصدق (۱۲ اردیبهشت). شورای مرکزی جبهه ملی دوم تلویحاً تهدید و اعلام کرد که اگر مصدق یا نظراتش موافق نباشد از ادامه کار منصرف است. دکتر مصدق این نامه را برای احزاب و سازمان دانشجویان فرستاد تا اگر نظری دارند ابراز کنند.<sup>۱۳۴</sup>

۱۶ اردیبهشت سازمان دانشجویان به تفصیل در ۲۱ بند نظر این سازمان را درباره نامه شورای جبهه ملی دوم به اطلاع دکتر مصدق رساند. مصدق که جزئیات کار را هم زیر نظر داشت، لحن نامه را تند یافت (یادداشت ۱۸ اردیبهشت) و خواست که در آن تجدید نظر شود و حتی رعایت برخی نکات ظریف را هم یادآور شد. سازمان دانشجویان با حفظ تاریخ نامه در آن تجدید نظر کرد و همراه با نامه‌ای دیگر، آن را همان روز برای او فرستاد. مصدق در پاسخ به دانشجویان و قبل از امضا نوشت: «کسی که شما را بسیار دوست دارد»<sup>۱۳۵</sup>.

# سازمان دانشجویان چهارم ایران

امداد ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۳

آقایان محترم فرزندان عزیزان  
 امدهی رزق ۱۸ اردیبهشت سید در حد کمال  
 گردیدند کارهایی شما در راه وطن عزیز و حبس  
 امید چشمه است عدم نفعه کارها و از خود که  
 در راه آزادی و استقلال ایران وطن عزیز فرود  
 از حق نباید گذشت و در این راه همه چیز را  
 این جانب روی شما فرزندان عزیز کمال احترام تمام  
 و کاری از من ساخته است و در زندان در همه با قلبی  
 رخصتی ایران ترفیض نماید این را پیش از همه  
 کسی که شما را دوست دارد  
 دکتر درم



۲۶ اردیبهشت دکتر مصدق در نامه‌ای به یکی از فعالین جبهه ملی هدف خود را از عمل برای سامان بخشیدن به کار جبهه ملی توصیف کرد و متذکر شد:

«این جانب که در زندان بسر می‌برم هرگز قادر نیستم یک جبهه ملی تشکیل دهم که آقایان دانشجویان عزیز و احزاب و دستجات با آن متفق باشند و جبهه بتواند از مواقع و موارد به نفع مملکت استفاده کند. این جانب هیچ وقت چنین مسؤولیتی را که قادر به انجام وظیفه نیستم عهده‌دار نمی‌شوم. اکنون چون می‌بینم که نفاق بین دستجات به ضرر ایران تمام می‌شود می‌خواهم سعی کنم که آن را از بین ببرم و قوای ملی همه با هم همکاری کنند.»<sup>۱۲۸</sup>

۲۹ اردیبهشت مصدق، در پاسخ به نامه ۱۲ اردیبهشت شورای مرکزی ضمن تحلیل محتوای اساسنامه و تأکید بر ضرورت تغییر آن، رونوشت نامه (۱۶ اردیبهشت) سازمان دانشجویان و نیز ایرادات تفصیلی حزب ملت ایران (۱۶ اردیبهشت)، جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی ایران (۱۷ اردیبهشت)، حزب مردم ایران (۲۷ اردیبهشت) و جمعیت نهضت آزادی ایران (۲۹ اردیبهشت) را پیوست کرد. رهبران جبهه ملی دوم چون یا نظر مصدق موافق نبودند، از ادامه کار چشم پوشیدند. چندی بعد مصدق در نامه‌ای به دکتر شایگان (۴ مهر ۱۳۴۳) که در این باره نوشته است می‌گوید که جبهه ملی دوم «چون نخواست با نظریات بنده رایج به تجدید نظر در اساسنامه و آیین‌نامه موافقت کند دست از کار کشید و جبهه منحل گردید» در پایان نامه دکتر مصدق، با توجه به گزارش‌های مستدل سازمان دانشجویان و احزاب چهارگانه چنین اتمام حجت کرد:

«جبهه ملی احتیاج به افراد شجاع وطن پرست دارد که به نمایندگی از طرف احزاب و دستجات از حقوق ملت ایران دفاع کنند و با این اساسنامه و آیین‌نامه ... جامعه از خدمات فرزندان وطن پرست خود محروم خواهد ماند اکنون که واضح و روشن شده است از این اساسنامه و آیین‌نامه کاری ساخته نیست آیا ممکن است از چند برگ کاغذ بی‌مصرف در راه منافع ایران صرف‌نظر کنند و با مشارکت مخالفین اقدام در تنظیم یک اساسنامه جدید و مفید بفرمایند. شاید این اتفاق سبب شود که بتوانند گامهایی در راه آزادی و استقلال وطن بردارند بنده با حال ناتوان و در این زندان بیش از این نباید عرض کنم و مصدق شوم. چنانچه عرایض مورد توجه قرار نگرفت این آخرین نامه‌ای است که تقدیم می‌کنم. به انتظار جواب فقط در رد یا قبول پیشنهاد»<sup>۱۲۹</sup>

۱۲ خرداد نامه حیات اجرایی سازمان‌های اروپایی جبهه ملی. این هیأت درباره احزاب در پاسخ به نامه (۳ فروردین) مصدق چنین نوشت:

«باید عرض شود که یک فرق اساسی بین قضاوت آن پدر ارجمند در مورد احزاب و ما موجود است و آن این که ایشان اصولاً احزاب را از بالا و خارج ملاحظه می‌فرمایند و ما از پایین و داخل ... و این که دکتر مصدق برای یک ساعت هم نه حزبی ساخته و نه در یک حوزه حزبی به عنوان عضو شرکت کرده است ... ولی ما خود روزی داخل احزاب بودیم ... اما مهمترین مسأله‌ای که نه در نامه سوم فروردین به ما و نه در نامه‌ای که به سازمان دانشجویان جبهه ملی مرقوم فرموده‌اید روشن فرموده‌اید طریق عضویت افراد غیرحزبی در جبهه چه است»<sup>۱۳۰</sup>.

۱۲ خرداد با آن که جواب مناسب از شورای جبهه ملی دوم نرسید، مع الوصف مصدق در این تاریخ آخرین تلاش خود را به کاربرد و خطاب به الهیار صالح نوشت: «...کناره‌جویی جنابعالی از کار جبهه ملی

موجب یأس مردم است و انتخابی مثل جنابعالی باید موجب امیدواری باشد نه اینکه عدهٔ بیشماری را مأیوس بفرمایند یک رجل سیاسی هرگز از خدمت به جامعه نمی‌بایست خودداری کنند بیایید برای خیر جامعه یک اسامنامه‌ای که مورد قبول عموم باشد تنظیم بفرمایید. این است نظرات ارادتمند تا چه قبول افتد و چه در نظر آید» جواب این تقاضا نیز منفی بود (۱۸- خرداد) <sup>۱۳۸</sup>

۱۶ خرداد منوچهر صفا و عباس عاقلی‌زاده، اعضای جامعهٔ سوسیالیستهای نهضت ملی ایران به علت انتشار اعلامیه‌ای از سوی جامعه، بازداشت شدند و پس از محاکمه در یک دادگاه نظامی هر یک به سه سال زندان محکوم گردیدند.

۱۸ خرداد در این تاریخ آل‌هایار صالح در پاسخ به مصدق نوشت:

«... به طوری که در نامهٔ قبلی هم عرض کردم بنده مبتلی به دو بیماری مهم (ورم پرستات و سنگ کلیه) هستم و مدت زمانی است که در مقام کناره‌گیری بوده‌ام تا این که به علت شدت بیماری و مشکلات طاقت‌فرسای اخیر قدرت ادامهٔ خدمت از بنده به کلی سلب گردید - و ناچار به استعفا بوده و هستم. راجع به اصلاح اسامنامه - جواب همان است که در نامهٔ رسمی هیأت اجرائی و شورای جبهه به عرض رسیده است...» <sup>۱۳۹</sup>

۲۲ خرداد با توجه به تمارض رئیس هیأت اجرائی و پاسخ منفی هیأت اجرائی <sup>۱۴۰</sup> و شورای جبهه دوم نسبت به ترمیم اسامنامه و ایجاد روابط دموکراتیک در جبهه و بازکردن درهای آن به روی احزاب و دستجات متشکل، مصدق در نامه‌ای به سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران و نامه‌های مشابهی به احزاب چهارگانه - جامعهٔ سوسیالیستها، حزب ملت ایران، حزب مردم ایران، جمعیت نهضت آزادی ایران - نوشت که

«نامهٔ آن سازمان محترم در ۲۹ اردیبهشت قبل به شورای جبهه ملی ارسال شد و مساعی این جانب برای همکاری و تجدید نظر در اسامنامه به جایی نرسید. اکنون رونوشت نامهٔ خود و مرقومهٔ جناب آقای آل‌هایار صالح را تقدیم می‌کنم که مستحضر باشید. دکتر محمد مصدق، بیوسته: ۱. رونوشت نامهٔ این جانب [به شورای جبهه ملی دوم]، ۲. رونوشت مرقومهٔ جناب آقای آل‌هایار صالح» <sup>۱۴۱</sup>

۳ تیر مصدق در یادداشتی به این تاریخ جریان کوششهایی را برملا می‌کند که سازمان امنیت برای جلوگیری از تلاش وی برای پی‌ریزی جبهه ملی سوم به عمل آورده است. <sup>۱۴۲</sup>

۱۰ تیر در یادداشت خصوصی دیگری، مصدق مداخلهٔ سازمان امنیت و پاسخ به رئیس ساواک منطقه را شرح داد - یا با یک نوشتهٔ رسمی «این حقی را که قانون در دنیا به هر فردی داده» از من سلب کنید یا در نگاهی مانند سال ۱۳۳۲ مرا محکوم کنید که چیزی ننویسم و یا این که دستهایم را دست بند بزنید و هر وقت قضاء حاجتی لازم» باز کنید و بعد دو مرتبه دست بند بزنید. با این تأکید که «به هر کس هم اگر از شما پرسید می‌توانید شرح واقعه را بگویید.» <sup>۱۴۳</sup>

۳۰ تیر مصدق در این تاریخ به نامهٔ ۱۲ خرداد هیأت اجرائی سازمان‌های اروپایی جبههٔ ملی پاسخ داد و در آن برخی شبهات و ایرادات را رفع کرد و در بند ۲ خاطر نشان کرد که نه از «بالا و خارج» بلکه از پایین و داخل پس از خاتمهٔ تحصیلات در سوئیس و بازگشت به ایران «به حزب اعتدال وارد شدم و بعد که به واسطهٔ مهاجرت، حزب مزبور منحل شد به دعوت حزب دموکرات ضد تشکیلی در این حزب وارد شدم» و در مورد اشخاص منفرد متذکر شد که «با ورود اشخاص منفرد که شورای جبهه ملی و یا کنگره،

انان را انتخاب کند، موافق نیستیم. اشخاص منفرد جمعیتی ندارند که وجودشان در جبهه مؤثر باشد، تحزب از لوازم مشروطیت است و «اشخاص منفرد باید گردهم جمع شوند و به اتکاء جمعیت بتوانند فداکاری نمایند در موقع لزوم چنانچه به حزب ابلاغ شد جمعیت خود را بلادرنگ حاضر می‌کنند» دو کنگره سازمانهای اروپایی جبهه ملی بی‌دری نظرات مصدق را پذیرفتند.<sup>۱۳۷</sup>

۱۵ مرداد دادگاه زمان جنگ در شیراز شش نفر از سرفتن عشایر از جمله حبیب شهبازی، فتح‌اله حیات نلوودی و حسنقلی رستم، ولی کیانی، جعفر قلی رستم، و ناصر طاهری را محکوم به اعدام و ۵ نفر را به زندان محکوم کرد.

۲۱ مهر لایحه مصونیت قضائی نظامیان امریکایی در یک جلسه پر سر و صدای مجلس تصویب شد. با این قانون که اعاده «کایتولاسیون» نام گرفت امریکاییان از مصونتهای دیپلماتیک مذکور در پیمان وین برخوردار می‌شدند.

۴ آبان خمینی در قم به این قانون (کایتولاسیون) حمله کرد.

۹ آبان حسنقلی منصور نخست‌وزیر در مجلس سنا درباره «کایتولاسیون» توضیحاتی داد و گفت ایران با دادن مصونیت سیاسی به چند مستشار، ضرر نمی‌کند.

۱۳ آبان خمینی با هوایما به ترکیه تبعید شد.

۱۹ آبان نامه دکتر مصدق به منصور نخست‌وزیر درباره کایتولاسیون، منصور در جلسه ۱۹ آبان مجلس ضمن دفاع از ماده واحده «کایتولاسیون» مدعی شد که این امر «بی‌ضرر» در زمان دولت مصدق نیز در مورد هیأت امریکایی اصل ۴ ترومن سابقه داشته است، مصدق ضمن تعجب از این سخن و تکذیب تأکید کرد خود «اول کسی بودم» که «زبان اعتراض به کایتولاسیون گشودم و این در لوایح جنگ بین‌الملل اول بود و در رساله‌ای که به تعداد ۵ هزار نسخه منتشر کردم اثناء این رژیم مخالف آزادی و استقلال کشور را درخواست نمودم. قراردادی که این جنب امضا نمودم مربوط است به وظائف اصل ۴ در ایران... و در آن وقت صحبتی از مصونیت سیاسی مأمورین دولت امریکا در ایران نبود و این عیناً مثل حکایت آن کسی است که در ده راهش نمی‌دادند و او لدعای کدخدایی می‌کرد چقدر خوب است که مقرر فرمایید پرونده آن را مطالعه کنند و بیاناتی را که در مجلس فرموده‌اید اصلاح نمایند».<sup>۱۳۸</sup>

۲۲ آبان هیأت اجرایی سازمانهای اروپایی جبهه ملی در نامه‌ای به مصدق، پیوستگی این سازمانها را به راه حل مصدق در کنگره کارلسروهه در آلمان، اعلام نمود و درباره تشکیلات سازمانهای جبهه ملی در خارج کسب تکلیف کرد.<sup>۱۳۹</sup>

۱ بهمن حسنقلی منصور نخست‌وزیر هنگام پیاده شدن از اتومبیل در جلوی در ورودی مجلس، ساعت ۱۰ صبح هدف گلوله قرار گرفت و شش روز بعد (۶ بهمن) بر اثر جراحات وارده در گذشت همان روز امیرعباس هویدا فرمان نخست‌وزیری گرفت.

۱۴ بهمن طی دو مکاتبه، مصدق در پاسخ به نامه ۲ بهمن هیأت اجرایی سازمانهای اروپایی جبهه ملی ایران نظر نهائی خود را درباره تشکیلات خارج از کشور با توجه به آیین نامه جبهه ملی سوم بیان کرد و متذکر شد که آیین‌نامه مصوب ۱۳۴۳ جبهه ملی سوم برخلاف آیین‌نامه مصوب کنگره جبهه دوم، سازمانهای خارج از کشور را مستقل دانسته و به حال خود گذاشته است تا بتوانند تشکیلات خود را طبق وضعیات و احتیاجات محل تنظیم کنند و در اروپا و امریکا چون دستجات و اصنافی نیستند تا بتوانند

نمایندگان خود را به شورای جبهه اعزام کنند و تشکیل حزب هم (جز شعب احزاب موجود) به آسانی عملی نیست، چنانچه مقتضی بدانند ممکن است در هر محل عده‌ای از دانشجویان و اشخاص دیگر جمعیتی یا انجمنهایی به هر اسم و رسم تشکیل دهند و نمایندگان خود را به شورای جبهه در اروپا بفرستند.<sup>۱۳۳</sup>

۱۳۴۳-۱۳۴۴ نامه ۲۲ خرداد ۱۳۴۳ مصدق به سازمان دانشجویان و ضامان آن و مجموعه مکاتبات مربوط به تغییر اساسنامه به اجازه و با کسب تکلیف از دکتر مصدق در تشریح «یوم دانشجو» جهت اطلاع عموم منتشر شد و به دنبال آن در طول سال ۱۳۴۳ و ماههای نخستین سال ۱۳۴۴ فعالیت و اقدام با پشتیبانی و نظارت مصدق و حتی دخالت مستقیم در تنظیم اساسنامه، ادامه یافت.

پس از انحلال شورای جبهه ملی که زمینه آن قبلاً فراهم شده بود و ریشه در سیاست «صبر و انتظار» داشت، مصدق از هر فرصتی برای تشکیل جبهه ملی سوم و دعوت به اتحاد استفاده کرد. سازمان امنیت نیز همان‌طور که گوشه‌ای از آن در دو یادداشت (۲۳ تیر و ۱۰ آبان ۱۳۴۳) مصدق در این باره مشخص شده، دست از تهدید برداشته علاوه به سران نهضت آزادی که قبلاً و به دلایل دیگری بازداشت، محاکمه و با خودکامگی به حبس سنگین محکوم شده بودند (۱۶ دی ۱۳۴۳)، برای عقیم کردن کار، در اولین مراحل تلاش برای سامان دادن به جبهه ملی سوم، نیروها و فراکسیونهای داخل جبهه و احزاب و سازمان ملی را که نقشی مؤثر در هماهنگ کردن نیروها و فراکسیونهای داخل جبهه و احزاب و سازمان دانشجویان به عهده داشت، بازداشت و از صحنه خارج کردند در مراحل بعدی نیز فعالین سازمان دانشجویان و نماینده‌های دانشکده‌ها، نمایندگان احزاب و به ویژه خلیل ملکی و اعضای هیأت رهبری جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی ایران را بازداشت محاکمه و محکوم نمودند.

علی‌رغم تمام مشکلات - از دست رفتن زمان به ضرر نیروهای ملی بر اثر تعلل رهبری جبهه ملی دوم در اتخاذ سیاستی سازنده و مثبت؛ بالاکلیف ماندن نیروها در شرایط «صبر و انتظار»؛ و در این فرصت تجهیز ساواک در برابر شکل‌یابی جبهه سوم - از لواسط تالیستان ۱۳۴۳ پس از انتشار مکاتبات در «یوم دانشجو»، گامهای اساسی برای تشکیل جبهه ملی سوم برداشته شد:

- هیأت مؤسس جبهه ملی سوم به ریاست باقر کاظمی رئیس سابق شورای جبهه ملی و با مشاورت آیت‌الله سیدرضا زنجانی تشکیل شد.

- نمایندگان احزاب چهارگانه و سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران، به جلسات مشترک خود برای تدارک جبهه سوم و هماهنگی نیروها ادامه دادند.

- هیأت مؤسس از هر یک از احزاب و نیز از سازمان دانشجویان خواست نظرات خود را راجع به اساسنامه تهیه و در اختیار آن هیأت قرار دهند.

- هیأت مؤسس، پس از بررسی این نظرات و مشاوره با دکتر مصدق از طریق مهندس احمد مصدق که نقش رابط را بین این هیأت و پدرش به عهده داشت، بالاخره اساسنامه و آیین‌نامه جبهه ملی سوم را تدوین و به تصویب رساند. در این سند: ۱. شعار اصلی جبهه ملی از «استقرار حکومت قانونی هدف جبهه ملی ایران است»، به «استقرار حکومت ملی هدف جبهه ملی ایران است» تغییر یافت. ۲. از جهت تمایز و

به منظور مشخص کردن مراحل قبلی مبارزات ملی به پیشنهاد عباس سمیعی نماینده نهضت آزادی ایران در یکی از جلسات تدارک کلمه «سوم» به نام جبهه اضافه شد. ۳. جبهه سوم به موجب ماده اول چنین تعریف شده است: «جبهه ملی سوم ایران مرکز تجمع احزاب جمعیت‌های سیاسی، جامعه روحانیت، جامعه دانشجویان و سازمان‌های سیاسی و اجتماعات صنفی و اتحادیه‌ها و دستجات محلی است که هر یک از آنها مرام خاصی برای خود داشته باشند و با جبهه ملی سوم قضا دلاری یک مرام مشترک باشند که آزادی و استقلال ایران است.»

– به دعوت هیأت مؤسس، احزاب و سازمان دانشجویان و علمای وابسته به جبهه ملی، نمایندگان خود را برای تأسیس شورای جبهه سوم به شرح زیر معرفی کردند: جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران (حمید معامنی در هیأت تدارک و هیأت‌نگی و پس از بازداشت او توسط ساواک، رضا شاهین)، جمعیت نهضت آزادی ایران (عباس سمیعی)، حزب مردم ایران (حسین رافعی)، حزب ملت ایران (داریوش فروهر در هیأت تدارک و پس از بازداشت او توسط ساواک اصغر پهنام)، سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران (هدایت متین‌دختری)، هیأت علمیه (آیت‌الله لنگجی، یا معرفی آیت‌الله سیدرضا زنجانی، که در جلسات شورا شرکت نکرد).

– در تیر ماه ۱۳۴۴ در بیاتیمی ضمن تحلیل اوضاع سیاسی ایران به اعضای شورای مرکزی جبهه ملی سوم ایران رسماً اعلام موجودیت کرد.

## ۱۳۴۴

۲۱ فروردین ترور نافرجام محمد رضا شاه در کاخ مرمر توسط سرباز وظیفه رضا شمس‌آبادی.  
اردی‌بهشت حسین تجویلدن از اعضای جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران بازداشت شد و در دادگاه نظامی او را به سه سال زندان محکوم کردند.

۲۶ خرداد حکم اعدام درباره ۲ نفر از شرکت‌کنندگان در قتل حسنعلی منصور اجرا شد.  
تیر جبهه ملی سوم در بیاتیمی به اعضای شورای مرکزی جبهه ملی سوم ایران اعلام موجودیت کرد.  
۲۰ تیر مصدق در پاسخ به نامه ۲۱ اردی‌بهشت هیأت اجرائی سازمان‌های اروپایی جبهه ملی در خصوص جبهه ملی ایران در اروپا و آمریکا تأکید کرد که «این دو جبهه هر کدام در محل خود استقلال نام دارند و هیچ یک حق دخالت در کار دیگری ندارند»<sup>۱۷۸</sup>

تیر نامه سرگشاده جبهه ملی سوم ایران به بوتانت دیر کل ملل متحد  
۴ مرداد خانم زهرا مصدق (ضیاءالسلطنه) همسر دکتر مصدق بر اثر ابتلا به ذات‌الریه در بیمارستان تجمبه در سن ۸۴ سالگی درگذشت.

۲۷ مرداد بازداشت خودکامه اعضای شورای مرکزی جبهه ملی سوم و اعضای کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران و فعالین این سازمان - بیژن جزنی (مسئول چاپ نشریه پیام دانشجوی)، مصطفی ملاذالشریبه (نماینده دانشکده پزشکی)، داریوش محقق‌زاده (نماینده دانشکده علوم)، سیرین صور اسرافیل (نماینده پلی‌تکنیک)، صدرائی (نماینده دانشکده فنی)، بهمن‌پور شریعتی (نماینده دانشکده

ادبیت)، منوچهر محمدی شجاع (نماینده دانشکده حقوق)، منوچهر تقوی بیانات (نماینده دانشکده کشاورزی) - و سران احزاب عضو این جبهه.

۹ آبان جمعی از محکومان سیاسی دادگاههای نظامی به قلعه برازجان گسیل و در شرایط بد زندانی شدند از جمله مهندس مهدی بازرگان، آیت‌الله سیدمحمد طالقانی، دکتر یحیی سحابی، دکتر عباس شیبینی، مهندس عزت‌الله سحابی، مجتبی مغبذی، مصطفی مغبذی، احمد علی بابایی، حکیمی، بسته‌نگار، و جعفری از نهضت آزادی؛ منوچهر صفی و عباس عاقلی زاده از جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی ایران.



دکتر مصطفی با همسرش خانم زهرا مصطفی در احمدآباد

نگاه کنید به \* مرد ۴۴

۱۸ آبان بهمن قشقایی که با دریافت امان نامه خود را در باغ ارم شیراز به امیرانداله علم و مقامات دولتی در فارس معرفی کرده بود، علی‌رغم امان نامه مزبور، اعدام شد.

۲۴ آذر احکام دادگاه تجدید نظر نظامی نسبت به متهمین واقعه ۲۱ فروردین (تورن ناقرحام شاه) اعلام شد. از جمله دو نفر (مهندس احمد منصوری و احمد کامرانی) به اعدام، پرویز نیکخواه ۱۰ سال، پور کاشانی ۸ - سال زندان محکوم شدند. احمد منصوری و احمد کامرانی به‌عنوان مورد عفو واقع و با یک درجه تخفیف به حبس بد محکوم شدند.

بهمن محاکمه اعضای کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران در دادگاه نظامی انجام شد. دادگاه آنان را به حبس‌های کوتاه مدت شش ماهه‌ای یک سال محکوم کرد.

۴ بهمن دادگاه نظامی به طور غیابی حکم اعدام ۱۲ نفر سران حزب توده را که زندان رزم‌آرا از زندان قصر فرار کرده بودند صادر کرد.

۱۶ بهمن محاکمه خلیل ملکی، رضا شایان، علیچان شامی و حسین سرشار اعضای هیأت رهبری جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی ایران و جبهه ملی سوم، در دادگاه نظامی انجام گرفت.

۲۴ اسفند خلیل ملکی به سه سال زندان و سایرین هر یک به ۱۸ ماه زندان محکوم شدند.

۱۳۴۵

آبان انتقال دکتر مصدق به تهران برای معالجه، نخست در بیمارستان نجمیه سپس در منزل دکتر غلامحسین مصدق واقع در خیابان حشمت‌الدوله و بالاخره بازگشت به بیمارستان نجمیه در اسفند ماه. در این زمان عدای لژ همکاران سابق لو و سایر همراهانش، از جمله دکتر خلیل آخر، محمدعلی کشاورز صدر، پروانه فروهر و... و نیز اقوام موفق به دیدار و عیادت شدند.

یکشنبه ۱۴ اسفند/۵ مارس ۱۹۶۷ وفات در بیمارستان نجمیه تهران.

پادداشت‌ها:

<sup>۱</sup> «مختبب التواریخ»، ص ۴۸۳؛ «طرائق الحقایق»، جلد ۲، ص ۵۹۰.

<sup>۲</sup> تقی‌زاده: «مختصر تاریخ مجلس شورای ملی»، ص ۴۶.

<sup>۳</sup> «فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ایران»، تألیف فریدون آدمیت، ص ۲۱۱.

<sup>۴</sup> نقل از «بیخه رفتمی» کتاب، جلد ۲۱ (۱۳۵۷) ص ۵۸۷ مکرر.

<sup>۵</sup> نگاره کنید به «خاطرات و تألمات» شرح زندگی مصدق به قلم خودش صص ۶۲ - ۶۴.

<sup>۶</sup> شرح زندگانی من از عبدالله مستوفی، ج ۲، ص ۲۷۳ و ج ۳، ص ۲۲۸.

<sup>۷</sup> «خاطرات و تألمات» صص ۸۵ - ۸۷.

<sup>۸</sup> لژ اقتامات مصدق در این دوره الفاء اجازة انکرة تحدید تریاک بود که در کابینه وثوق الدوله به اجراء واگذار شده بود و در دنبال آن تشکیل کمیسیون برای رسیدگی به اعمال مسببین قضیه (شرح زندگانی من، ج ۴، ص ۳۶).

ابوالحسن بزرگ امید (مختیارالملک) هم در کتاب «لژ ماست که برماست» تفصیلی از این جریان را نوشته است. (صص ۲۶۸ - ۲۷۴). همچنین «خاطرات و تألمات» صص ۸۸ - ۹۵.

<sup>۹</sup> عبدالله مستوفی در شرح زندگانی من نوشته است: «جوه اهالی و سر جنبانهای شیراز لژ دولت خواستند که آقای مصدق السلطنه مالی فارس شود» (ج ۳، ص ۳۵۴)؛ «خاطرات و تألمات» (صص ۱۲۱ - ۱۲۸).

<sup>۱۰</sup> «خاطرات و تألمات» (صص ۱۲۱ - ۱۲۸).

<sup>۱۱</sup> کابینه قوام السلطنه دو بار ترمیم شد و درین ترمیمها یک بار مصدق به ولایت خارجه انتخاب شد و مجدداً به وزارت مالیه، تا این که کابینه به علت اقتامات مالی مصدق مورد مخالفت مجلس چهارم فرار گرفت «دولتهای عصر مشروطه»، تألیف احمد ضرغام بروجنی، (صص ۱۲۳ - ۱۲۸). حسین مکی در شرح حال مصدق نوشته است که

وزارت امور خارجه را در کابینه بعد نیزیروفت (دکتر مصدق، و نظایر تاریخ لژ، ص ۷). عبدالله مستوفی که خود در آن وقت در مالیه بود در شرح زندگانی من می‌نویسد: «این بار برای این که شخصیت میرزوتری لژ معتمدالسلطنه

(عبدالله وثوق) کفیل مالیه، جهت این وزارتخانه فکر کرده باشند که بتوانند در مقابل تقاضای روزافزون سردار سپه مقاومت نماید مصدق السلطنه را به وزارت مالیه برگزیدند. دکتر مصدق به موجب ماده واحده که رتود «ولادت

یموت» موشش کردند برای مدت سه ماه اختیاراتی از مجلس گرفت که مالیه را از عناصر قاسد و بی‌کفایت

برهاند، یک کارهایی هم در این زمینه به انجام رسانید ولی به واسطه ضدیت گرگهای پلران دیده مالیه و کمی مفت اختیارات توانست کار حسابی صورت دهد. حتی وکلای مجلس هم از اقدامات اصلاحی او ناراضی شده...» (ج ۳، ص ۲۷۵). مستوفی در باره علت سقوط کابینه می‌نویسد: «اینها سببهای واقعی بود و تیشتر این دمل که از مدتی پیش ریشه گرفته بود و قلمه اتهام غضنفر خان برادر دکتر امیراعظم از طرف آقای دکتر مصدق وزیر مالیه شد. دکتر مصدق به وسیله ماده واحده (واحدیموت) خود بی‌محابا اشخاص مقنون به اختلاس مال دولت را تحت تعقیب در می‌آورد و به توجیه وکلا - هیچ‌قدر و قیمتی نمی‌گذاشت -» (ج ۳، ص ۴۴۸). ملک‌الشعرای بهار هم درین موضوع شرحی دارد که نقل می‌کنیم: «وزیر مالیه دکتر محمد مصدق السلطنه ماده واحدهای به مجلس آورد و اختیاراتی خواست و با مخالفت شدید سوسیالیستها مواجه گردید و او اولین و آخرین وزیری است که در برابر هجوم شدید سلطان میرزا لیدر سوسیالیست و نماینده نطق و زیر دست مجلس به شدت بر ناطق حمله کرد و از خود و عقیده خود و دولت دفاع نمود و کاری را که باید وکیل مجلس انجام دهد و از وزیری دفاع کند با کمال شهامت خود انجام داد، ولی از فرط تأثر در پشت تریبون عشی کرد.» (ص ۱۲۹)؛ «حظرات و تألمات» (صص ۱۲۹-۱۴۱).

۱۲ عبدالله مستوفی در باب والیکری مصدق در آذربایجان می‌نویسد: «مشیرالدوله - مصدق السلطنه - را که در کابینه قبلی وزیر مالیه بود به والیکری آذربایجان فرستاد. مشیرالدوله به دکتر مصدق خیلی معتقد بود و اگر عمل او در دادن اتهام نامه غضنفر خان ظاهراً موجب بر هم خوردن کابینه قوام السلطنه نشده بود شاید او بهتری برای وزارت مالیه کابینه خود و مقابله با وزیر جنگ در نظر نداشت. ولی مشیرالدوله چون اهل محاجه نبود نمی‌خواست با وکلای ضد دکتر مصدق مباحثه کرده تناسب او را برای این شغل به آنها خالی کند و آنها را ساکت کند...» (ج ۳، صص ۲۶۹ - ۲۷۰)؛ ملک‌الشعرای بهار در «تاریخ مختصر احزاب سیاسی» (ص ۲۶۵) علت استعفای مصدق از والیکری آذربایجان را مداخله قشون در امور آن جا نوشته است: «حظرات و تألمات» (صص ۱۳۲ - ۱۵۷).

۱۳ «حظرات و تألمات» (صص ۱۶۰-۱۶۱).

۱۴ همان جا (صص ۱۶۲-۱۶۷).

۱۵ برای ملاحظه متن سخنرانیها نگاه کنید به «دکتر مصدق و نطقهای تاریخی او در دوره پنجم و ششم تقنینیه» حسین مکی، تهران ۱۳۳۳.

۱۶ نگاه کنید به همان جا.

۱۷ همان جا (صص ۹-۱۰)؛ همچنین نگاه کنید به نوشته عبدالعزیز بیات مصدق در همین نشریه.

۱۸ حسین مکی (صص ۱۰-۱۲).

۱۹ همان جا (ص ۲۷).

۲۰ نگاه کنید به «مباحث موازنه منفی در مجلس چهاردهم» نگارش حسین کی استوان، تهران ۱۳۳۷ - متن کامل سخنرانی (صص ۲۲-۲۵) و انطه مذاکرات مجلس در این باره و پاسخها (صص ۲۵-۸۲).

۲۱ همان جا (صص ۸۵ - ۱۱۱).

۲۲ همان جا (ص ۱۶۷-۱۸۲).

۲۳ همان جا (صص ۱۸۲-۱۸۶).

۲۴ همان جا (صص ۱۸۹-۲۲۲).

۲۵ همان جا (صص ۲۵۸-۲۶۴).

۲۶ همان جا (صص ۲۶۵-۳۰۸).

۲۷ همان جا (صص ۳۱۱-۳۶۹).

۲۸ همان جا، جلد دوم، تهران بهمن ۱۳۳۹ (صص ۲۰-۱۶۸).

۲۹ همان جا صص ۱۸۲-۱۸۳ و ۲۰۴-۲۱۳.



- ۲۰ همان جا صص ۲۱۷-۲۲۲.
- ۲۱ همان جا صص ۲۵۳-۲۶۵.
- ۲۲ همان جا صص ۳۲۲-۳۲۹.
- ۲۳ همان جا صص ۳۸۱-۳۸۶.
- ۲۴ «تظقیهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس»، جلد اول، دفتر اول، انتشارات مصدق، صص ۱۵. در سخنرانی ۴ خرداد ۱۳۲۹ مصدق.
- ۲۵ همان جا صص ۲۹ در سخنرانی ۱۲ خرداد ۱۳۲۹ مصدق.
- ۲۶ خامنای، انور، «خطرات سیاسی»، تهران ۱۳۷۲، صص ۷۹۲.
- ۲۷ همان جا صص ۳۹۲.
- ۲۸ همان جا صص ۷۹۳. نقل از باختر امروز ۲۶ آذر.
- ۲۹ همان جا صص ۳۹۳.
- ۳۰ همان جا صص ۳۹۳.
- ۳۱ همان جا صص ۳۹۵.
- ۳۲ همان جا صص ۳۹۵.
- ۳۳ «کارنامه مصدق» انتشارات مزدک، جلد اول، صص ۶۷.
- ۳۴ خامنای، انور، «خطرات سیاسی» صص ۷۹۶. نقل از باختر امروز ۲۵ اسفند.
- ۳۵ «تظقیهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم»، انتشارات مصدق، صص ۴-۲۶.
- ۳۶ همان جا صص ۲۶.
- ۳۷ خامنای، انور، «خطرات سیاسی»، صص ۳۹۷. سفری، محمدرضا، «قلم و سیاست» جلد اول، تهران ۱۳۷۱، صص ۳۱۶.
- ۳۸ «تظقیهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم» جلد اول، دفتر اول، صص ۲۷-۳۷؛ همچنین نگاه کنید به متن سخنرانی او در همین مجموعه.
- ۳۹ همان جا، صص ۳۳-۳۶.
- ۴۰ همان جا، صص ۳۸.
- ۴۱ «کارنامه مصدق» انتشارات مزدک، جلد اول، صص ۷۲-۷۳؛ «تظقیهای دکتر مصدق در مجلس شانزدهم» جلد اول، دفتر اول، صص ۵۳-۵۶.
- ۴۲ «تظقیهای دکتر مصدق» جلد اول، دفتر اول، صص ۳۲-۸۷.
- ۴۳ غلامرضا نجفی، «جنبش ملی شدن نفت» چاپ پنجم، صص ۱۰۶.
- ۴۴ همان جا، صص ۱۰۹.
- ۴۵ حسین مکی، «کتاب سیاه»، صورت مذاکرات کمیسیون نفت، اسفند ۱۳۳۹، صص ۲۵۰-۲۵۱.
- ۴۶ غلامرضا نجفی، «جنبش ملی شدن نفت» صص ۱۱۷.
- ۴۷ غلامرضا نجفی، «جنبش ملی شدن نفت» صص ۱۱۷ و سفری، «قلم و سیاست» جلد اول، صص ۳۶.
- ۴۸ سفری، «قلم و سیاست» صص ۳۶.
- ۴۹ «مکتوبات دکتر مصدق» جلد دوم، دفتر سوم، انتشارات مصدق، پاریس اسفند ۱۳۵۰، صص ۶۸-۷۰.
- ۵۰ همان جا، جلد دوم، دفتر اول، پاریس ۱۹ آبان ۱۳۳۸، صص ۸۹-۱۰۷.
- ۵۱ همان جا، صص ۱۰۸-۱۰۹.
- ۵۲ همان جا، صص ۱۱۰-۱۲۶.

- <sup>۲۶</sup> «حقیقها و مکتوبات دکتر مصدق» جلد دوم دفتر سوم، انتشارات مصدق پاریس ۱۳۵۰، صص ۸۸-۹۱ شرح واقعه به نقل از خود دکتر مصدق در نهمین سالنامه نیا.
- <sup>۲۷</sup> «علامه رضا نجاتی» ص ۲۱۹ چاپ پنجم.
- <sup>۲۸</sup> «کارنامه مصدق» جلد دوم، مزدک، فلورانس، ۱۳۴۰، صص ۲۵۶ و صص ۲۸۶-۲۸۷.
- <sup>۲۹</sup> «حقیقها و مکتوبات دکتر مصدق» جلد دوم دفتر سوم، پاریس خرداد ۱۳۴۹، صص ۹-۲۲.
- <sup>۳۰</sup> همان جا، صص ۲۲-۳۲.
- <sup>۳۱</sup> نگاه کنید به شماره قبل همین نشریه، شماره ۲۵/۲۴، صص ۱۹۵-۲۰۲ در بخش ویژه «بنجامین سال ملی شدن صنعت نفت و تشکیل دولت ملی».
- <sup>۳۲</sup> محمدعلی صفری، «قلم و سیاست» چاپ اول، جلد اول، صص ۶۸۹-۶۹۲.
- <sup>۳۳</sup> همان جا، صص ۶۹۲-۶۹۴.
- <sup>۳۴</sup> «حقیقها و مکتوبات دکتر مصدق» جلد دوم دفتر دوم، انتشارات مصدق، صص ۲۸-۱۳۳.
- <sup>۳۵</sup> همان جا، جلد دوم دفتر سوم، صص ۱۲۱-۱۲۵ (متن کامل بیام).
- <sup>۳۶</sup> همان جا، صص ۱۳۵-۱۳۷.
- <sup>۳۷</sup> «کارنامه مصدق» جلد دوم، صص ۲۶۲-۲۶۵.
- <sup>۳۸</sup> نگاه کنید به «خاطرات و تألمات» صص ۲۸۲-۲۸۷ درباره علل عدم پذیرش این پیشنهاد.
- <sup>۳۹</sup> «خاطرات و تألمات» ص ۲۱۲ و چگونگی بازنشسته شدن لغزبان.
- <sup>۴۰</sup> نگاه کنید به «خاطرات و تألمات» راجع به نقش هنترسن سفیر امریکا در این قضیه صص ۱۸۵-۱۸۶؛ نقش شاه و دربار، صص ۲۱۸-۲۱۲ و ۲۶۲-۲۶۷.
- <sup>۴۱</sup> «علامه رضا نجاتی» «چشمی ملی شدن» صص ۲۶۹ و برای متن کامل گزارش صص ۵۱۱-۵۱۲.
- <sup>۴۲</sup> «حقیقها و مکتوبات» جلد دوم دفتر سوم، ص ۱۴۰.
- <sup>۴۳</sup> همان جا، صص ۱۴۱-۱۵۳.
- <sup>۴۴</sup> «کارنامه مصدق» جلد دوم، صص ۳۶۵-۳۷۷.
- <sup>۴۵</sup> برای شرح تفصیلی توطئه قتل افسار طلوس نگاه کنید به سرهنگ حسینقلی سرورشته، «خاطرات من:» - تهران، ۱۳۶۷ صص ۱۰۴-۱۰۳، مؤلف خود مأمور کشف و رسیدگی به این توطئه بوده است.
- <sup>۴۶</sup> «کارنامه مصدق» جلد دوم، مزدک، فلورانس ۱۳۶۰ صص ۲۵۷-۲۵۶ هم چنین آزادی، شماره ۲۵/۲۴، «خاطرات مهندس بازرگان» ص ۱۳۹.
- <sup>۴۷</sup> همان جا «کارنامه مصدق» جلد دوم، صص ۳۶۵-۳۶۶.
- <sup>۴۸</sup> آرشیو وزارت خارجه انگلستان سند FO 371/104659/734399 گزارش ژواشینگتن به وزارت خارجه بریتانیا مورخ ۲۱ مه ۱۹۵۲. برای ترجمه فارسی متن کامل این سند نگاه کنید به فصول روحانی «زندگی سیاسی مصدق» - پاریس ۱۳۶۶.
- <sup>۴۹</sup> «حقیقها و مکتوبات» جلد دوم دفتر سوم، صص ۱۵۹-۱۶۱.
- <sup>۵۰</sup> «خاطرات و تألمات» صص ۲۶۸-۲۶۹؛ و روحانی، «زندگی سیاسی مصدق» - پاریس ۱۳۶۶، صص ۳۲۸-۳۲۹.
- <sup>۵۱</sup> آرشیو وزارت خارجه انگلستان، سند FO.371/10459/73420 مورخ ۶ ژوئن ۱۹۵۲، برای متن کامل این سند به فارسی نگاه کنید به فولاد روحانی، «زندگی سیاسی مصدق» - پاریس ۱۳۶۶.
- <sup>۵۲</sup> احمد کمانگر، «مجموعه قوانین جزایی و قانون اساسی و قوانین دکتر مصدق با تمام اصلاحات تا آخر ایران» صص ۳۸۸-۳۸۷.
- <sup>۵۳</sup> «حقیقها و مکتوبات» جلد دوم، دفتر سوم، صص ۱۵۵-۱۵۸.

<sup>۳۱</sup> «کارنامه مصنف...» جلد دوم، صص ۳۷۵-۳۷۶.

<sup>۳۲</sup> «غلامرضا نجاتی، جنبش ملی شدن...» ص ۴۰۰.

<sup>۳۳</sup> «کارنامه مصنف...» جلد دوم، ص ۴۷۶.

<sup>۳۴</sup> نجاتی «جنبش ملی شدن...» صص ۳۶۶-۳۷۱.

<sup>۳۵</sup> نگاه کنید به «خاطرات و تألمات»، ص ۱۹۹. در آن جا مصنف می‌نویسد: «مولی من از دعوت تو برای شروع به کار خودداری کردم، چون که او از این نظر انتخاب شده بود آن چه دولت از پشوانه اسکاتس استفاده کرده بود و آن عده اعضای دیگر هیأت پشوانه از نظر حسن و ظنهرستی قضا نکرده بودند فاشی کند و نتیجه این بشود که نرخ اجناس نرزی کتس» و صص ۲۵۴-۲۵۵؛ هم چنین ن. که به «گزندی شماره ۲۵/۲۴ صص ۱۶۰، ۱۶۲ و ۱۸۲.

<sup>۳۶</sup> «تطقیها و مکتوبات...» جلد دوم، دفتر سوم، صص ۱۷۰-۱۷۲.

<sup>۳۷</sup> «خاطرات و تألمات»، صص ۲۵۴-۲۵۵.

<sup>۳۸</sup> «تطقیها و مکتوبات...» جلد دوم دفتر سوم، صص ۱۷۸-۱۷۹.

<sup>۳۹</sup> همان جا، صص ۱۸۰-۱۸۲.

<sup>۴۰</sup> «خاطرات دکتر صدیقی در نجاتی «جنبش ملی شدن...» ص ۵۳۶.

<sup>۴۱</sup> همان جا ص ۵۳۶ «خاطرات و تألمات»، ص ۲۸۹.

<sup>۴۲</sup> «خاطرات و تألمات»، ص ۱۹۵.

<sup>۴۳</sup> «گزندی شماره ۶.

<sup>۴۴</sup> «خاطرات و تألمات»، صص ۱۹۵-۱۹۷.

<sup>۴۵</sup> برای وقایع این روز رجوع کنید به «خاطرات دکتر صدیقی در نجاتی، «جنبش ملی شدن...» صص ۵۳۸-۵۵۶ شرح دو روز غمبار».

<sup>۴۶</sup> همان جا، صص ۵۵۰-۵۵۶.

<sup>۴۷</sup> نجاتی، «تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران» جلد اول، چاپ سوم، تهران، رسا، ۱۳۷۱، صص ۹۹-۱۰۹.

<sup>۴۸</sup> نجاتی، «جنبش ملی شدن...»، ص ۴۲۱.

<sup>۴۹</sup> نجاتی «جنبش ملی شدن...»، «یادداشت‌های دکتر فاطمی در مخفیگاه» صص ۵۵۷-۵۹۲.

<sup>۵۰</sup> بهرام افراسی به «مصنف و تاریخ» چاپ اول، تهران، ۱۳۶۰، صص ۳۶۲-۳۵۷.

<sup>۵۱</sup> راجع به جریان مذاکرات آمینی - پویج و نتایج اسف‌انگیز آن رجوع کنید به فؤاد روحانی، «زندگی سیاسی مصنف...» فصل آخر کتاب.

<sup>۵۲</sup> نگاه کنید به «آخرین مصاحبه دکتر غلامحسین صدیقی» با حمید سیف‌زاده، چاپ توحید تهران، بی‌تاریخ، صص ۹-۱۰. «انجمن آثار ملی که من عضو آن بودم از دولت تقاضا کرد مبلغی برای ساختن سالن ابن سینا در دانشگاه تهران و مقبره او در همان برای تجلیل از او اعطا کند. دکتر مصنف هم با تمام فقر دولت موافقت کرد...» هزاره نومان کمک کند».

<sup>۵۳</sup> برحقیق مقررات دلالی ارتش فرجام‌خواهی در دیوان کشور منوط به اجازه شاه بوده است.

<sup>۵۴</sup> نجاتی، «جنبش ملی شدن صنعت نفت...»، چاپ پنجم، صص ۶۱۶-۶۲۰.

<sup>۵۵</sup> نجاتی «تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران» جلد اول، چاپ سوم، ص ۱۲۵.

<sup>۵۶</sup> همان جا، ص ۱۶۹-۱۷۰.

<sup>۵۷</sup> همان جا، ۱۷۱.

<sup>۵۸</sup> «مکاتبات مصنف: تلاش برای تشکیل جبهه ملی سوم، انتشارات مصنف شماره ۱۰، پاریس، آذر ۱۳۵۴، صص

- ۱۱۹ همان جا، ص ۱۸۲.
- ۱۲۰ همکتابت مصنف: تلاش برای تشکیل جبهه سوم، انتشارات مصنف، پاریس ۱۰ آذر ۱۳۵۴، صص ۳-۱.
- ۱۲۱ همان جا، ص ۴.
- ۱۲۲ همان جا، ص ۱۸۹.
- ۱۲۳ همان جا، صص ۵ - ۶.
- ۱۲۴ همان جا، صص چهارم - پنجم و ۵۶ - ۵۷ و ۱۹۷.
- ۱۲۵ همان جا، صص پنجم - ششم و ۱۲۶-۱۲۳.
- ۱۲۶ همان جا، ص ۹.
- ۱۲۷ همان جا، ص ۳.
- ۱۲۸ همان جا، ۱۳.
- ۱۲۹ همان جا، صص ۱۵-۱۹.
- ۱۳۰ همان جا، صص ۲۰-۳۰.
- ۱۳۱ همان جا، ص ۲۶، یادداشت ۱- اردیبهشت مصنف.
- ۱۳۲ همان جا، ص ۳۷.
- ۱۳۳ همان جا، صص ۳۳-۳۹.
- ۱۳۴ همان جا، صص ۵۰-۶۳.
- ۱۳۵ همان جا، ص ۶۵.
- ۱۳۶ همان جا، صص ۶۹-۷۴.
- ۱۳۷ همان جا، صص دهم و یازدهم.
- ۱۳۸ همان جا، صص ۶۶ و ۶۸.
- ۱۳۹ همان جا، ۶۸.
- ۱۴۰ همان جا، ص ۳۲: اعضای هیأت اجرایی جبهه ملی سوم در آن هنگام عبارت بودند از: دکتر شمس‌الدین میرعلایی، مهندس کاظم حسینی و دکتر کریم سجایی که براساس اختیارات رئیس هیأت، الهیار صالح تعیین و معرفی شدند.
- ۱۴۱ همان جا، ص ۶۷.
- ۱۴۲ همان جا، ص ۸۴.
- ۱۴۳ همان جا، ص ۸۲.
- ۱۴۴ همان جا، صص ۷۳-۷۶ و یازدهم.
- ۱۴۵ همان جا، صص ۱۱۰-۱۱۱.
- ۱۴۶ همان جا، ص یازدهم.
- ۱۴۷ همان جا، صص ۸۷-۸۹.
- ۱۴۸ همان جا، ص ۹۰.



# مصداق در پاریس: دوران تحصیل

یک مصاحبه - ۱۹۰۹ و یک مقاله - ۱۹۵۳

از مادام رنه ویه یار

<http://www.chebayadkard.com/>

در سال ۱۳۶۱ متن مقاله خانم رنه ویه یار\* ( مندرج در تشریح پاریسی *L'Homme Libre* (انسان آزاد) مورخ ۲۶ ژوئن ۱۹۵۳) راجع به دوران تحصیل دکتر مصداق در مدرسه عالی علوم سیاسی پاریس از آقای فرهاد دیبا که در آن هنگام به نوشتن *بیوگرافی سیاسی دکتر مصداق* به زبان انگلیسی مشغول بودند، به من رسید. با دیدن این مقاله در صدد برآمدم که متن مصاحبه ۱۹۰۹ خانم ویه یار را با دکتر مصداق که در این مقاله به آن به تفصیل اشاره شده، پیدا کنم. موضوع را با آقای دکتر ناصر پاکدلین در میان گذاشتم ولی مراجعه ایشان به بایگانیهای فرانسوی نتیجه ای نداد. در یگانه مجموعه نشریه *Les Nouvelles* (اخبار) مربوط به سال ۱۹۰۹ میلادی که مورد بررسی قرار گرفت تنها یک شماره کم بود و آن هم شماره ای که در آن مصاحبه این بانوی بزرگوار با دوستش «مشروطه خواه ایرانی، محمد مصداق السطنه» به چاپ رسیده است. پس از این تلاش، چون در عصر ماقبل فتوایی، در کتابخانه مجلس شورای ملی متوجه صفحات ناپدیده شده مجموعه های نشریات نایاب بودهام، به این نتیجه رسیدم که این شماره/اخبار نیز به همان سرنوشت دچار شده است.

زمستان سال ۱۳۷۲ بود که شاهد از غیب رسید. در نشریه نیمروز چاپ لندن بدون ذکر مأخذ به نقل از یکی از نشریات درون کشور (که اخیراً ضمن صحبت با آقای محمدتاج دولتی معلوم شد ماهنامه *سعیار* به سردبیری زنده یاد ابراهیم زال زاده، آذر ۱۳۷۲ بوده است) ترجمه ای از این مصاحبه به قلم آقای محمد تاج دولتی به چاپ رسید که با استفاده از بریده روزنامه مزبور موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، انجام شده بود. بنا به نوشته آقای تاج دولتی در مقدمه ترجمه - متن این مصاحبه در پرونده های از بریده های چرایند فرانسه درباره انقلاب مشروطیت، نگهداری می شود. این مجموعه توسط شخصی محقق به نام صاحب نسق، در سالهای پس از انقلاب مشروطیت، هنگام اقامت در فرانسه گردآوری شده و سالها بعد در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به صورت میکروفیلم درآمده است و بر اثر عدم دقت کافی در زمان تهیه میکروفیلم، کناره تعدادی از این بریده ها ناخوانا است. آقای تاج دولتی در همان جا می افزایند که به منظور مطابقت متن این مصاحبه «... به آرشیو روزنامه/اخبار در ... کتابخانه ملی پاریس مراجعه شد ... در تمام سال ۱۹۰۹ تنها شمارهای که موجود نیست روزنامه تاریخ ۲۲ اوت است که این مصاحبه در آن درج شده متأسفانه کس یا کسانی به دلایلی که معلوم نیست، تمام صفحات این شماره از روزنامه را از آرشیو خارج کرده و بنابر این هنگام تبدیل آن به میکروفیلم این شماره موجود نبوده است ...»

به هر صورت در بدو امر، متن فرانسوی مصاحبه مورخ ۱۹۰۹ مادام رنه ویهیاریار با دکتر مصنیق متأسفانه در دسترس نبود تا بتوانیم با استفاده از متن اصلی، ترجمه‌های جدید ارائه دهیم. اما خوشبختانه در این فاصله آقای دکتر پاکدامن توانستند با آقای تاج دولتی ارتباط برقرار کنند معلوم شد که متن اصلی مصاحبه ۱۹۰۹ مادام ویهیاریار با نام مستعار «آ. دو روشپرون»، عیناً در رساله دکتری منتشر نشده ایشان در پاریس، منعکس است که با اجازه ایشان از رساله مزبور، استخراج شد. در این‌جا، پس از تطبیق ترجمه موجود با متن فرانسوی و انجام اصلاحات ضروری، همراه با مقاله ۱۹۵۳ مادام ویهیاریار که آقای سیروس جاویدی زحمت ترجمه آن را کشیده‌اند، منتشر می‌شود.

هدایت متین‌دقتری

## ایران بیدار می‌شود\*

### رنه ویهیاریار\*\*

سردبیر مجله *La Nouvelle Egypte* (مصر نوین)

### ترجمه سیروس جاویدی

در سال ۱۹۰۹ روزنامه‌های پاریسی *Les Nouvelles* (اخیار) به مدیریت فمینیستی پر شر و شور، مارگریت دوران، مصاحبه‌های به امضای مستعار چاپ کرده با عنوان: «مشروطه خواه ایرانی محمد مصنیق السلطنه» که نویسنده آن من بودم.

در آن زمان مصنیق ۲۷ سال داشته. در خیابان گی‌لوساک در کارتیبه لائسن در هتلی بسیار ساده مستقر بود. و در دانشکده حقوق و مدرسه عالی علوم سیاسی تحصیل می‌کرد. گندمگون و لاغر اندام بود، با چشمانی همچو غزال، همواره آرام و تونار، با همکلاس‌یهایش قاطبی نمی‌شد. درس که تمام می‌شد به اتاقش برمی‌گشت و دیگر او را نمی‌دیدیم.

من دوره لیسانس را در دانشگاه سوربن می‌گذراندم و در مدرسه عالی زبانهای شرقی ثبت نام کرده بودم. من که مجذوب اسلام و خود جوانی جسور بودم، تصمیم گرفتم با برنارد گراسه ناشری تازه‌کار اما مشهور از همان آغاز، نشریه‌ای منتشر کنم که نشان‌دهنده برنامه گسترده‌ای بود: *La Revue d'Orient* (مجله خاور).

برگردیم به آن دوره. دولت‌های خاورمیانه داشتند بیدار می‌شدند و استبداد سرکوبگر را تکان می‌دادند. مردان کمیته «اتحاد و ترقی» جانترین سلطان سرخ شنگل پوزیتویست‌های مکتب اوگوست کنت با الهام از منتریسم در پی تحقق ایده عثمانیت *Ottomanisme* بودند که به اتکاء آن، کمال آتاترک، «وطن ترک» یا «ترک یوردو» را بوجود می‌آورد.

در مصر دورهٔ بیداری ناسیونالیسم است. حزبی با مصطفی کامل پاشا تشکیل می‌شود. او در بهار زندگیش می‌میرد و محمدنیک فرید که علیه اشغال انگلیس بر خاسته است، جانشین می‌شود.

در ایران روز ۵ اوت ۱۹۰۶ قدرت مطلقهٔ شاه با استقرار قانون اساسی محدود می‌شود. قانونی در برگرفتهٔ مجلسی ملی، عهده‌دار قدرت قانونگذاری که نمایندگان با آرای عمومی انتخاب می‌شوند. یکی از شرایط لازم برای نمایندگی، داشتن ۳۰ سال سن است. نمایندگان به مدت دو سال انتخاب می‌شوند و ۵۰۰ فرانک حقوق در ماه دریافت می‌کنند.

در پاریس گروهی فرانسویان اسلاموفیل، حرف بنای یک مسجد را در پایتخت‌مان به میان کشیده بودند. ابتکاری جسورانه با بحثی طولانی، که بعدها به اجراء درآمد با شور و شوق حاکی از این که فرانسه بلد است مسجیدی نیز به مجموعهٔ بناهایش اضافه کند. ما نیز در روزنامه فمینیست لا فرانسز (*La Francaise*) به مدیریت جین میسیم همراه همهٔ کسانی که خود را مدافع حقوق زنان از همهٔ ملت‌ها می‌دیدند یک «مجلس شرقی» ایجاد کردیم که مدیریتش با من بود. مشهورترین نمایندگان روشنفکران و ناسیونالیست‌های شرقی به مجلس ما پیوستند و در گردهمایی‌های ما که در آن نرفته‌ها ناپدید و برادری میان فرانسوی و مسلمان واقعیتی شده بود، شرکت می‌کردند. مصری‌ها، ایرانی‌ها، هندوها خود را متعلق به این محیط روشنفکری پاریسی می‌دیدند. خواست عمیق برابری و آرزوی آزادی ملت‌ها، ما را به هم نزدیک می‌کرد.

با این همه من که همچو پروانهٔ جنوب شعله، شیفتهٔ آسیا بودم، از رفتن به دانشکده و پشت نیمکت‌های آن نشستن کم نمی‌گذاشتم. جایی که آن همه جوان شرقی را در کنار خود می‌دیدم و مصدق یکی از آنها بود، او بلافاصله مرا به خاطر زندگی سخت و رهبانی و اراده‌اش به کار، به خود جذب کرد. بسیار کم حرف بود و تواضعی صمیمانه داشت. چنان‌چه به سختی باور می‌کردم که او متعلق به خانواده‌ای قدرتمند و ثروتمند ایرانی باشد. ساده و فروتن در رفتارش بود - چه تعابیر چشم‌گیری، با خودنمایی بعضی از دانشجویان مسلمان!

مصدق که زبان ما را خوب صحبت نمی‌کرد از من خواست برخی از درس‌ها را برای او تکرار و تفسیر کنم و در ضمن به وی درس فرانسه بدهم. دانشجویی بسیار دقیق بود و زحمتم به هدر نمی‌رفت. من هنوز هم او را دو زانو تشسته روی نیمکت، رب دوشامیری گشاده پشمی و کرم رنگ در یو، و کتابی بر زانو، می‌بینم. هر گاه که ضعف جسمانی، وادارش می‌کرد که در اتاقش بماند، به این صورت ظاهر می‌شد. صحنه‌ای درست شبیه تصاویر زاهدان در کتابهای خطی قدیم ایرانی.

مصدق اگر از منافش پیروی می‌کرد می‌باید در سلک جماعت مرتجعین باقی می‌ماند. اما او تحت تأثیر مادری شایسته بود که نامش با آثار عام‌المنفعه‌ای عجیب است که ایرانیان می‌شناسند و به او احترام می‌گذارند: نجم السلطنه، شاهزاده خانم [فرزند فیروز میرزا] فرمانفرما. و به اوست که ۵ سال بعد مصدق با این کلام رسالهٔ دکتری خود را تقدیم می‌کند:

« به مادرم

با سیاست و قدرتی از محبت‌هایش ».



آن زمان، دوره جنایی زن و مرد در قلمرو اسلامی است، دورهای که کسی درباره زنان خانواده در ملاء عام صحبت نمی کرد، مصدق با این سیاستگزاری از مادرش، قانون سکوت درباره زنان را با جسارت زیر پا می گذارد. کسی نمی توانست او را به این خاطر سرزنش کند زیرا از مادر، آن زن عالی قدری تمجید می کرد که از دید هر ایرانی عادی آن زمان، مورد احترام بود. روزی کوشیدم دوست و شاگردم مصدق را برای انجام مصاحبه های قانع کنم. کار به مشاجره های جدی کشیده شد چرا که با فروتنی اش، در بیم آن بود که میباید در خلال مصاحبه از او تمجید کنم. سر آخر در برابر دلایل من تسلیم شده دلایلی درباره ضرورت شناسایی کشور دور افتاده ام و نیازهای آن، و به خاطر میهنش بود که این انسان پی گیر و سازش ناپذیر، تصمیم گرفت از خلوت خویش بیرون آید.

من از آن چه از مصدق، شاگرد یکتایم به یادگار مانده است با دقت نگهداری کرده ام. احساس می کردم که این انسان استثنایی نقش بزرگی در کشورش خواهد داشت. اگر نوشته روی پاکت دو نامه او را، یکی از سال ۱۹۱۴ و دیگری مربوط به سال ۱۹۵۲، به خط شناس بدیهم، وی تصدیق خواهد کرد که حروف این دو از لحاظ استحکام و شخصیت نویسنده کوچکترین فرقی با هم ندارند.

اگر حرفهای این دانشجوی جوان ۴۴ سال پیش را در کنار سخنان بزرگ دولتمرد امروز تهران قرار دهیم درمی یابیم که نه جویای مال و متال است و نه متمصب و تنگ نظر، با عشق دلبسته به کشورش، بنون فریب و دغلکاری و بی اعتنا به فریندگیها.

گر چه با دانشی که از علم حقوق پیدا کرده، باریک بینی طبیعیش ارتقاء یافته است.

ضعف جسمانی اش او را از هر گونه زیاده روی باز می داشت. به گفته نزدیکان، سلیقه ساده اش تغییری یا دوران زندگی دانشجویی در پاریس نکرده است. مصدق، علاقمند به نزدیکان خویش، هیچ گاه آنها را در سالگردها فراموش نمی کند. چه شناس بزرگی برای برادرزاده ها و خواهرزاده های عدیدماشی که مورد توجه او می باشند.

علیرغم ظاهر، مصدق بیشتر اروپایی است تا آسیایی. گر چه در تفکر رمزآمیز آسیایی، اعتبار دولتمردان به تزویر و تظاهر است و چنین به نظر می رسد، اسلام، آن اندازه که رهبران عصر و عرب را تحت تأثیر دارد، بر او تأثیر نگذاشته است.

مصدق در سال ۱۹۰۹ در *لخیار (Les Nouvelles)* گفت: «بله ما به اروپا نیاز داریم. مانند تمام ملت هایی که دوره جدیدی را شروع می کنند، ما هم به کسانی نیاز داریم که قبلاً آن راه را رفته اند. آیا در گذشته ایالات متحده آمریکا از فرانسه تقاضای کمک نکرد؟ نزدیک خودمان ایتالیا استقلال خود را به لطف فرانسه به دست نیاورد؟ ما هم همین طور کمک فرانسه را خواهیم خواست و همان قدر محترم خواهیم بود»

نظرش را درباره آزادی زنان در همان سال ۱۹۰۹ به طور آشکار بیان می کرد: «زنان ما عروسک های تو خالی و بوالهوس نیستند. زن ملکه خانه است. او بیشتر مادر است تا همسر، اما در طول این سالهای آشفته توانستیم زن ایرانی را در عمل ببینیم. برای این که تماشاگران، از هر طبقه ای، از مشروطیت پشتیبانی کردند و آن را دوست داشتند قهرمانانی داریم شایسته

افسانه‌های زنان پارت و با احترامی زیاد می‌توانم از عمه محمدعلی‌شاه یاد کنم که با نگاهی مغرور و بنون تأثر سربازان غارتگر و گستاخ برادر زاده‌اش را نظاره می‌کرد که در مقابلش تمام یادگارهای با ارزش محل اقامتش را ویران کردند او در مقابل خرابه‌های کاخش قطره اشکی هم نریخت. در جریان انقلاب با افتخار سر بلند ماند.»

یادآوری لذت‌بخش این غرور، احساسات پوشیده مصدق جوان را برمی‌انگیخت. ماهها در پاریس سپری می‌شد و آب و هوای این شهر مناسب این دانشجو نبود او باید به سوئیس می‌رفت و در آن جا رساله دکتری خود را آماده می‌کرد.

در سال ۱۹۱۴ در قاهره بودم که رساله دکتری‌اش را با نامهای دریافت کردم که مهتری داشت: «مصدق، لیسانس در حقوق - لول، نوشاتل - سوئیس» و موضوعش «وصیت در حقوق اسلام (مذهب شیعه)» با مقدمه‌ای در مورد منابع حقوق اسلامی. از این رساله ۲۲۰ صفحه‌ای روز اول ماه مه ۱۹۱۴ دفاع شده بود و ژرژ کری در پاریس آن را منتشر کرده بود. اما این استادان بزرگ دانشکده حقوق پاریس بودند که مصدق را از دور دست، راهنمایی کردند. او ۱۵ سال در خانه‌ای تحت کنترل پلیس پسر برد و سپس به زندانی در مرزهای افغانستان تبعید شد.

رسیدنش به قدرت، مبارزه‌اش علیه بریتانیای کبیر به خاطر قرارداد «ایسران و انگلیس» از موضوعات با اهمیت بین‌المللی و مشهور جهان است. به ندرت کسی این چنین نیش خورده، انتقاد شده، تعریف و تجعید شده و تهدید شده است. این اراده انعطاف‌ناپذیر که حتی تهدید به مرگ نیز آن را خم نکرد، از همان جوانی آتشی در درون داشت. آرزوی دیدن مردم کشورش که از ثروت‌های سرزمینشان بهره می‌برند و در راه پیشرفت و ترقی کام برمی‌دارند بدون هراس از بیگانگان، بدون تعصب و بنون خفت و خواری.

پس چرا انگلیس‌ها، با این همه «فریسی» «fair play» در بازی، نمی‌خواهند با پیر بزرگه مصدق، صادقانه کنار بیایند؟

\* از روزنامه *L'Homme Libre* (انسان آزاد)، پاریس، ۲۶ ژوئن ۱۹۵۴

\*\* Renee Vieillard

یادداشت:

در عثمانی پرچم سلطان به رنگ سرخ بوده و پرچم خلیفه به رنگ سبز. در زمان سلطان عبدالحمید که در این جا مورد بحث است تأکید بر پرچم سرخ سلطنت عثمانی به عنوان هویت عثمانیت کشور و نشانه حاکمیت مطرح بوده است.